



«تولید؛ دانش بنیان و اشتغال آفرین» از منظر سیاست‌های کلی نظام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدای بزرگ بخشایش همیشه بخشایند

بِسْمِ

شماره مسلسل: ۱۸۸۴۸
کد موضوعی: ۲۴۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۱/۱۲/۲۲

عنوان گزارش:

«تولید؛ دانش بنیان و اشتغال آفرین»
از منظر سیاست‌های کلی نظام

نام دفتر:

مطالعات حقوقی

تهیه و تدوین کنندگان:

مهدی بهرامی حسن آبادی، امین‌اله پاک‌نژاد، محمدبرزگر خسروی

ناظر علمی:

احمد حکیم‌جوادی

اظهار نظر کننده:

محسن بابایی

ویراستار ادبی:

پرند فیاضی

صفحه آرا:

سیده فاطمه ابوطالبی

واژه‌های کلیدی:

۱. اقتصاد درون‌زا
۲. حقوق اساسی
۳. اسناد بالادستی



۶

چکیده

۶

خلاصه مدیریتی

۷

مقدمه

۸

معنا و مفهوم «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین»

۱۱

اهمیت و جایگاه «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» از منظر سیاست‌های کلی نظام

۱۳

زمینه‌ها و ظرفیت‌های «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین»

۱۶

راهبردهای حمایت از «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» از منظر سیاست‌های کلی نظام

۲۴

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۲۶

منابع و مأخذ



«تولید؛ دانش بنیان و اشتغال آفرین» از منظر سیاست‌های کلی نظام

[چکیده]

جامع، سیاست‌های مرتبط با حوزه تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین، احصاء، دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار گیرد. در این گزارش، سؤال اصلی این است که شعار سال از منظر سیاست‌های کلی نظام چگونه تعریف، توصیف و تبیین می‌شود. به همین منظور در این نوشتار، چند بخش شامل معنا و مفهوم، اهمیت و جایگاه، زمینه‌ها و ظرفیت‌ها و راهبردهای حمایت از تولید دانش بنیان از منظر سیاست‌های کلی نظام بیان خواهند شد. زمینه‌های حمایت از تولید دانش بنیان در بخش‌های کشاورزی و غذایی، نفت و گاز، پزشکی، دفاعی-امنیتی، ساختمان و مسکن، فناوری ارتباطات و زیست‌محیطی مورد تبیین قرار می‌گیرد و راهبردها نیز در دو دسته راهبردهای عام و خاص شامل مواردی همچون مرتبطسازی آموزش و پژوهش با صنعت، ارتقای جایگاه شرکت‌های دانش بنیان بیان می‌شود.

«تولید؛ دانش بنیان و اشتغال آفرین» به عنوان شعار سال ۱۴۰۱، حاکی از اولویت تولید دانش بنیان در نظام اقتصادی کشور و جایگاه و نقش توسعه فناوری در اقتصاد و ایجاد اشتغال است. سیاست‌های کلی نظام به عنوان مجموعه‌ای از بایسته‌های معتبر حقوقی و لازم‌الاجرا، در این زمینه دارای ایده‌ها و راهبردهای خاصی است. ارائه راهکارها و راهبردهای جزئی مرتبط با شعار مزبور در مفاد سیاست‌های کلی نظام، اهمیت تحقق موضوع تولید دانش بنیان را دوچندان می‌کند. در واقع، وجود چنین احکامی در سیاست‌های کلی نظام ضرورت اجرای شعار سال را برای نهادهای مسئول بیشتر می‌کند و امکان مطالبه و پیگیری در این خصوص را به لحاظ حقوقی فراهم می‌آورد. به همین دلیل در نوشتار پیش‌رو، با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به سیاست‌های کلی نظام سعی شده است تا به صورت

[خلاصه مدیریتی]

تولید دانش بنیان به معنای آن بخش از اقتصاد دانش بنیان است که محرک تولید و ارائه خدمات در آن، دانش و فناوری محسوب می‌شود. در سیاست‌های کلی نظام زمینه‌ها و ظرفیت‌های گوناگونی برای اجرای تولید دانش بنیان دیده شده است که این مطلب نشان می‌دهد که در پرداختن و حمایت از صنایع نیز می‌توان اولویت‌هایی را در نظر گرفت که برخی به دلیل اهمیت راهبردی آن برای کشور در سیاست‌ها به عنوان اولویت شناسایی شده و ضرورت دارد، نهادهای نظارتی این اولویت‌ها را بیش از دیگر موارد در اجرا، مورد رصد و پایش قرار دهند. زمینه‌های حمایت از تولید دانش بنیان در بخش‌های کشاورزی و غذایی، نفت و گاز، پزشکی، دفاعی-امنیتی، ساختمان و مسکن، فناوری ارتباطات و زیست‌محیطی مورد تبیین قرار می‌گیرد و راهبردها نیز در دو دسته راهبردهای عام و خاص شامل مواردی همچون مرتبطسازی آموزش و پژوهش با صنعت، ارتقای جایگاه شرکت‌های دانش بنیان بیان می‌شود.

سیاست‌های کلی نظام در نظام هنجارهای حقوقی ایران، به عنوان یکی از بالاترین سطوح هنجاری شناسایی می‌شود و اهداف، جهت‌گیری‌ها و راهبردهایی که برای تحقق این موارد مطرح می‌گردد، نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر، موضوع تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین نیز به عنوان یکی از اولویت‌های کلان مطرح شده توسط مقام معظم رهبری، دارای ما به ازاء و منظومه مشخصی در سیاست‌های کلی نظام است که باز تبیین آن از منظر این سیاست‌ها می‌تواند، تحقق تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین را به عنوان یکی از اولویت‌های نظام حقوقی و هنجاری، تثبیت نماید و نحوه اجرای صحیح آن را مورد پیگیری قرار دهد؛ به همین دلیل در نوشتار پیش‌رو، با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به سیاست‌های کلی نظام سعی شده است تا به صورت جامع، سیاست‌های مرتبط با حوزه تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین، احصاء، دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار گیرد. در این نوشتار، چند بخش شامل معنا و مفهوم، اهمیت و جایگاه، زمینه‌ها و ظرفیت‌ها و راهبردهای حمایت از تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین از منظر سیاست‌های کلی نظام بیان خواهند شد.

یکی از جدی‌ترین موضوع‌های مطرح و مسائل اساسی کشور در یک دهه اخیر، موضوع‌ها و مسائل اقتصادی عنوان می‌شود. وجود تحریم‌های اقتصادی از یک‌طرف و ضرورت اصلاح و سازمان‌دهی نظام اداری و اقتصادی از طرف دیگر سبب شده است تا مسائل اقتصادی به یکی از برجسته‌ترین موضوع‌های کشور تبدیل شود. در این میان، مقام معظم رهبری به دلیل جایگاهی که در هدایت، جهت‌دهی و مدیریت کلان کشور ایفا می‌کنند، در راستای حل مسائل و چالش‌های اقتصادی در یک دهه اخیر، به مسائل این حوزه توجه ویژه‌ای کرده‌اند و در این راستا به اولویت‌گذاری برخی موضوع‌ها و مسائل اقتصادی به صورت سالانه تحت عنوان شعار سال پرداخته‌اند. در توجیه چنین انتخابی می‌توان به بخشی از بیانات ایشان به شرح ذیل اشاره کرد:

«امروز عرض ما در درجه‌ی اول در زمینه‌ی مسائل اقتصادی است ... علت اینکه ما بحث اقتصادی را در این روز اول سال مطرح می‌کنیم، اولاً به خاطر اهمیت مسئله‌ی اقتصاد است؛ یعنی واقعاً اگر در کشور [رشد] اقتصادی همراه با عدالت به وجود بیاید، همه‌ی زمینه‌های پیشرفت فعال خواهد شد و کشور به پیشرفت واقعی خواهد رسید؛ یعنی اقتصاد یک چنین نقش محوری دارد. ثانیاً ما در این ده سال گذشته، در دهه‌ی ۹۰، در واقع مواجه بودیم با انباشت چالش‌های اقتصادی که خب انسان بایستی از اینها به یک نحوی خلاص بشود. باید ان شاءالله درباره‌ی مسائل اقتصادی درست فکر کرد، درست عمل کرد و حرکت کرد تا برای ملت وسایل آسایشی در این زمینه ان شاءالله به وجود بیاید. بنابراین ما بحث اقتصادی را از این جهت مطرح می‌کنیم.»^۱

در یک دهه اخیر عناوین مختلفی در این راستا بیان شده که برخی از آنها حول محور یک موضوع بوده است. تقریباً می‌توان گفت شعار حمایت از تولید یکی از پرتکرارترین موضوع‌ها در این سال‌ها بوده است که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در کلام رهبری است. به این ترتیب که، تولید اولویتی اثرگذار و تغییردهنده است که چنانچه مورد توجه قرار گیرد، سبب بهبود سایر شاخص‌های اقتصادی نیز خواهد شد.^۲

در کنار توجه ویژه به موضوع حمایت از تولید، رهبری در سال ۱۴۰۱ شعار جدیدی را مطرح کردند که درحقیقت، بیان راهبردهایی جزئی برای حمایت از تولید است. ایشان روی موضوع «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» به عنوان شعار این سال تأکید کردند؛ به این معنا که چنانچه سیاست‌های حمایتی دولت به سمت رشد و توسعه تولید دانش بنیان تغییر جهت دهد، سبب بهبود و ارتقای سطح فناوری از یک‌طرف و از طرف دیگر، گستردگی ابعاد جدیدی از محصولات تولیدی خواهد شد که بعضاً به خودکفایی کشور نیز منجر می‌شود. ایشان در کنار این موضوع به اشتغال آفرین بودن موضوع تولید نیز اشاره می‌کنند و تصریح می‌کنند که توسعه برخی از مؤسسه‌های مرتبط با تولید، اگرچه موجب افزایش سطح تولید محصولات خواهد شد، اما لزوماً به اشتغال‌زایی گسترده منجر نخواهد شد اما توسعه دانش بنیان‌ها موجب اشتغال گسترده در بخش‌های مختلفی خواهد شد که به دلیل فقدان فناوری معطل مانده‌اند. در ادامه به تفصیل در خصوص جایگاه تولید دانش بنیان سخن گفته خواهد شد.

۱. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۱/۱/۱.

۲. برای مطالعه در خصوص نقش تولید در اقتصاد مقاومتی کشور، ر.ک: اصغری، محمود، اهمیت تولید داخلی در اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۲۳، ش ۱۱۵، ۱۳۹۶.





در این گزارش تلاش می‌شود تا موضوع «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» از منظر سیاست‌های کلی نظام بازتیین شود؛ به این صورت که مفهوم، جایگاه، زمینه‌ها و راهبردهای تحقق این شعار در سیاست‌ها دنبال شود و مصادیق آن ذکر شود. به همین منظور با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری سیاست‌های مرتبط با موضوع تلاش می‌شود، به این سؤال پاسخ داده شود که شعار سال از منظر سیاست‌های کلی نظام چگونه تعریف، توصیف و تبیین می‌شود. به همین منظور در این نوشتار، چند بخش شامل معنا و مفهوم، اهمیت و جایگاه، زمینه‌ها و ظرفیت‌ها و راهبردهای حمایت از تولید دانش‌بنیان بیان خواهند شد. در این راستا، تلاش می‌شود، به صورت کاربردی برای حمایت از تولید، راهبردهای سیاستی مطرح شود تا قانونگذاران، مقررات‌گذاران و نهادهای نظارتی بتوانند از منظر حقوقی برای تحقق این اهداف تلاش کنند. از سوی دیگر، در خلال بیان مطالب به برخی از سخنان رهبری نیز استناد شده است که مقصود از آن تقویت گزاره‌های مورد استناد در سیاست‌های کلی نظام در خصوص تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین است و در این زمینه از سخنان اخیر رهبری در خصوص شعار امسال استفاده شده است.

با این وجود، در این نوشتار، دستیابی به منظومه فکری از بیانات رهبری در خصوص تولید دانش‌بنیان مورد هدف قرار ندارد و این موضوع نیاز به یک پژوهش مستقل دارد.

همچنین بررسی ابعاد موضوع مذکور از منظر قوانین و مقررات کشور و همچنین از منظر مباحث تخصصی مربوط به آن، نیازمند بحثی مستقل است و این پژوهش صرفاً درصدد بیان موضوع مورد مطالعه خود از منظر سیاست‌های کلی نظام است.

امروزه اقتصاد دانش‌بنیان نه صرفاً مربوط به نیاز داخلی است، بلکه یک ضرورت جهانی است و در ابعاد بین‌المللی مورد توجه قرار دارد. به تعبیر دیگر، نقش دانش، در عصر جدید اقتصاد بیش از گذشته برجسته شده است. از دهه ۱۹۸۰ میلادی برخی نظریه‌پردازهای اقتصادی، ظهور عصر جدیدی را پیش‌بینی کرده‌اند که در آن، دانش منبع اصلی ثروت تولید اقتصادی به‌شمار می‌آید. در این عصر سامان‌بندی اقتصادی براساس شبکه دانش شکل می‌گیرد و اقتصاد از «اقتصاد منبع‌بنیان» به «اقتصاد دانش‌بنیان» نزدیک شده است (عظیمی و برخورداری دور باش، ۱۳۸۹: ۳-۴). بنابراین، موضوع «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» به دلیل نام‌گذاری از سوی رهبری و جهت‌دهی کشور به این حوزه باید مورد توجه جدی دستگاه‌های مسئول قرار گیرد. در این میان، در عرصه اجرایی برای اینکه فهم دقیق‌تر و بهتری از موضوع مورد نظر صورت گیرد، ضروری است مفهوم، جایگاه و لوازم «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» در سیاست‌های ابلاغی رهبری مورد توجه واقع شود؛ چراکه این سیاست‌ها با توجه به گستردگی آن و مطرح شدن راهبردهای جزئی و کلیدی در آن، قابلیت تفسیر و تبیین شعار سال را دارند که کمک می‌کند ابعاد و راهبرد اجرایی شعار سال بیشتر نمایان شود. از طرفی، بررسی شعار سال از منظر سیاست‌های کلی نظام با توجه به الزام‌آور بودن این سیاست‌ها باعث خواهد شد، موضوع «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» از منظر پایگاه و جایگاه حقوقی نیز مورد توجه جدی واقع شود و نهادهای نظارتی حوزه اجرای سیاست‌های کلی نظام، به صورت تخصصی، فنی و حقوقی، اجرای این موضوع را دنبال کنند.

[معنا و مفهوم «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین»]

اقتصاد دانش‌بنیان پرداخته‌اند که این تعریف نیز می‌تواند در این بخش راهگشا باشد. در این باره ایشان بیان داشته‌اند: «اقتصاد دانش‌بنیان» یعنی چه؟ یعنی اینکه دانش و فناوری پیشرفته نقش‌آفرینی فراوان و کاملی داشته باشد در همه‌ی عرصه‌های تولید. «همه‌ی عرصه‌های تولید» که عرض می‌کنیم، یعنی حتی انتخاب آن کار تولیدی؛ چون لزومی ندارد که انسان همه‌ی کارهای تولیدی را انجام بدهد. انتخاب آن کار تولیدی هم [باید] بر خاسته‌ی از نگاه دانشی و بینشی و علمی باشد؛ این معنای اقتصاد دانش‌بنیان است که در همه‌ی عرصه‌های اقتصاد دخالت داشته باشد.^۲

تولید دانش‌بنیان در سیاست‌های کلی نظام، با توجه به رشته‌ای از مفاهیم مطرح‌شده در آن قابل بیان است. در سیاست‌های کلی نظام، مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان مطرح شده است که در حقیقت، تولید دانش‌بنیان با عنایت به نقش کلیدی آن در اقتصاد، جزئی از اقتصاد دانش‌بنیان است. بنابراین، مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و تولید دانش‌بنیان قرابت زیادی دارند. این مؤلفه‌ها در بند «۳» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ابلاغی ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ مقام معظم رهبری (مورد تأکید قرار گرفته است که با توجه به آنها اقتصاد دانش‌بنیان، متکی به فناوری و علوم جدید، با تبدیل دستاوردهای پژوهشی به فناوری و مرتبط شدن فناوری و علم به بخش‌های تولیدی شکل می‌یابد. رهبری نیز در توصیف تولید دانش‌بنیان به تعریف

۱. بند «۳» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی: «گسترش اقتصاد دانش‌بنیان با تأکید بر توسعه مؤلفه‌های اصلی آن، از جمله: زیرساخت‌های ارتباطی، زمینه‌های تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهشی به فناوری و گسترش کاربرد آن، حمایت قانونی از حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی و مرتبط کردن بخش‌های علمی و پژوهشی با بخش‌های تولیدی کشور».

۲. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۱/۱/۱۰.

و سخت‌افزارها و زیرساخت‌های مورد نیاز آنها و یار تقای کیفیت و بهره‌وری در امور تولید کالا و خدمات محسوب می‌شود. در معنای دوم، تولید دانش بنیان، نگاه به دانش و فناوری به‌عنوان یک محصول تولیدی دارای ارزش معین و قابل عرضه به حوزه‌های مختلف صنعت و بازار است که به تنهایی و فارغ از نقشی که در ایجاد ارزش افزوده اقتصادی ایفا می‌کند، مستقلاً قابل فروش و عرضه است و هدف از آن، کسب درآمد از طریق عرضه محصولات دانش بنیانی است. با توجه به تعریفی که از تولید دانش بنیان از منظر سیاست‌های کلی و رهبری بیان شد، آنچه مورد نظر قرار دارد، بیشتر تعریف نخست است؛ به این معنا که تولید دانش بنیان، نقش پیشرو فناوری و علم در نظام تولیدی را دنبال می‌کند.

در حقوق ایران هر چند تولید دانش بنیان تعریف نشده است، اما شرکت دانش بنیان به‌عنوان یک نهاد دانش بنیان در نظام حقوقی وجود دارد. مبتنی بر ماده (۱) قانون «حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات» مصوب ۱۳۸۹/۸/۵ مجلس، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش بنیان، شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود. همچنین مطابق با ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی این قانون^۱ مصوب ۱۳۹۱/۸/۲۱ هیئت وزیران، «گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری» و «تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه شامل (طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده بالا» دو مؤلفه شرکت یا مؤسسه دانش بنیان محسوب می‌شوند.

این دو تعریف تا حد زیادی همپوشانی دارند و مطابق با آنها شرکت‌های دانش بنیان در زمینه ایجاد، گسترش، کاربرد و تجاری‌سازی هر نوع ایده نو و فناوری در راستای توسعه اقتصادی فعالیت دارند. طبق این دو تعریف، تولید دانش بنیان نیز قابل توصیف خواهد بود. به این صورت که تولید دانش بنیان، به کارگیری فناوری و دانش در راستای اهداف اقتصادی به‌ویژه ارتقای امر تولید خواهد بود. از سوی دیگر، وصف دیگر تولید دانش بنیان، توجه به دانش و فناوری و نتایج تحقیق و توسعه به‌عنوان یک محصول مستقل قابل عرضه است؛ زیرا نگاه تجاری‌سازی و فروش نتایج تحقیق و توسعه به‌عنوان یک محصول مستقل، یک معیار شناسایی شرکت دانش بنیان به حساب آمده است.^۲ در نتیجه، مطابق با دو تعریف مذکور، به نظر می‌رسد، قانونگذار هر دو معنا و مفهوم از تولید دانش بنیان اعم از گسترش کاربرد فناوری و علم در تحقق اهداف

در واقع، مقصود رهبری از اقتصاد دانش بنیان، نقش آفرینی فناوری، علم و دانش در عرصه‌های مختلف اقتصادی نظیر بخش‌های تولیدی، توزیعی، مبادله و مصرف است و تولید دانش بنیان، نقش آفرینی علم و دانش در حوزه‌های مختلف تولید است که شامل انتخاب محصول، کارخانه، شیوه‌ها و... نیز می‌شود. در نهایت می‌توان «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» را تولیدی دانست که نقش فناوری و علم در افزایش کمیت و کیفیت آن مؤثر است و موجب ایجاد ظرفیت‌های جدید اشتغال خواهد شد. در ادبیات علم اقتصاد نیز تعاریف مختلفی از اقتصاد دانش بنیان صورت گرفته است که می‌توان رؤس مؤلفه‌های آن را در مفهوم تولید دانش بنیان به کار برد. از اقتصاد دانش بنیان چند تعریف ذیل وجود دارد:

۱ براساس تعریف OECD، اقتصادی دانش بنیان شناخته می‌شود که بر مبنای تولید،^۱ توزیع و کاربرد دانش شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش در آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. این تعریف اقتصاد دانش بنیان صرفاً متکی به کاربرد فناوری‌های پیشرفته در برخی صنایع نیست و به دلیل گستره تعریف برای ایجاد اقتصاد دانش بنیان، تنها به کارگیری فناوری محض مورد نظر قرار ندارد، بلکه دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی را در برمی‌گیرد (وحیدی، ۱۳۸۰: ۵۹؛ به نقل از: عربشاهی کریزی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵).

۲ اقتصاد دانش بنیان شامل دو منظر است که در منظر نخست، اقتصاد به معنای رایج، موضوع محوری است و کاربرد اقتصاد دانش بنیان، بحث در خصوص نقش و تأثیر دانش در توسعه و پویایی اقتصاد است. اما در منظر دوم دانش و زیرمجموعه‌های آن موضوع محوری خواهند بود که جنبه‌های اقتصادی آنها نظیر ایجاد و تولید دانش به‌عنوان یک محصول و یا توزیع و مصرف آن مورد توجه قرار دارد (Rooney, Hearn and Ninan, ۲۰۰۵؛ به نقل از: عربشاهی کریزی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵).

۳ اقتصاد دانش بنیان، بازارهای اطلاعاتی هستند که فرآورده‌ها و خدمات دانش در آنها برای فروش عرضه می‌شوند. در اقتصاد دانش بنیان، شرکت‌های کار و پیشه، مؤسسات دانشگاهی و بخش‌های صنعتی، فرصت همکاری برای اشتراک اطلاعات و دانش خود و نیز تبدیل به انبوهی از ایده‌ها، فرصت‌ها و راهکارهایی که به ایجاد ثروت اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود را به دست می‌آورد (عمادزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۰؛ به نقل از: عربشاهی کریزی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵).

با توجه به مؤلفه‌های ذکر شده در این تعاریف، تولید دانش بنیان در یک معنا بهره‌گیری از تکنیک‌ها، ایده‌ها، فناوری و هر نوع راهکار و راه حل سلبی یا ایجابی علمی به منظور تولید محصولات و خدمات

۱. میان تولید دانش با تولید دانش بنیان تفاوت وجود دارد؛ زیرا مقصود از تولید دانش، ایجاد دانش است، در حالی که در تولید دانش بنیان، تولید به مفهوم اقتصادی آن مورد نظر است و دانش بنیان وصف این عبارت است. ۲. ماده (۲): شرکت‌ها و مؤسساتی که در زمینه «گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری» و «تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه شامل (طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده بالا» فعالیت می‌نمایند، شرکت یا مؤسسه دانش بنیان محسوب می‌شوند. ۳. هر چند مطابق قوانین و مقررات در صورتی می‌توان یک شرکت فعال در زمینه تجاری‌سازی نتایج دانش و فناوری را شرکت دانش بنیان محسوب کرد که در حوزه فناوری‌های برتر باشد و دارای ارزش افزوده فراوان باشد. برای مثال، شرکتی که در خصوص فروش و تجاری‌سازی و اکسن به‌عنوان یک محصول در حوزه فناوری برتر اقدام می‌کند شرکت دانش بنیان محسوب می‌شود.



چنین بیان می‌کنند که با افزایش سطح فناوری نیاز به نیروی انسانی کاهش خواهد یافت، اما هر چند این مطلب در ظاهر صحیح است، اما در خصوص بخشی از اقتصاد، «تولید» دانش بنیان، اشتغال آفرین» قابل تحقق است. ایشان در این خصوص بیان داشتند:

گفتیم تولید با آن دو خصوصیت: یکی خصوصیت دانش پایه بودن، دانش بنیاد بودن؛ یکی هم خصوصیت اشتغال آفرینی. یک اشکالی کردند به ما، گفتند این دو خصوصیت با هم نمی‌سازد؛ درست می‌گویند؛ در یک مواردی همین جور است یعنی هر چه فناوری پیشرفته‌تر شود، نیاز به نیروی انسانی کمتر می‌شود؛ بعضی‌ها پیغام دادند که «این چه جوری می‌شود؟» من برای این جواب دارم. بله، در یک مواردی این جور است اما در مورد ما این جور نیست؛ برای خاطر اینکه ما کارخانه‌ها و شرکت‌های تعطیل یا نیمه‌تعطیل در قسمت‌های پایین دستی که بسیار هم زیاد است، خیلی داریم. بنابراین دانش بنیان شدن شرکت‌ها متوجه این شرکت‌ها می‌تواند بشود؛ یعنی می‌تواند حتی فرصت‌های شغلی را چند برابر کند و افزایش بدهد؛ این [جور] است. بنابراین ما می‌توانیم [اشتغال آفرینی هم داشته باشیم]. علاوه بر این، خود فناوری جدید یک حالت گسترش یابی طبیعی دارد؛ یعنی هر چه انسان در مسائل فناوری پیشرفت کند، میدان‌ها در مقابل او باز می‌شود؛ بنابراین اشتغال آفرینی قطعاً ضربه‌ای نمی‌خورد و می‌توان تولید دانش بنیان را مطمئن نظر قرار داد، در عین حال مسئله‌ی اشتغال آفرین هم وجود داشته باشد.^۲

با توجه به این بیان، می‌توان به چند نکته اساسی پی برد. نخست اینکه در برخی صنایع به خصوص صنایع بالادستی همانند استخراج نفت خام که این صنایع فعال هستند، ارتقای سطح فناوری، ممکن است موجب کاهش نیاز به نیروی انسانی غیرمتخصص شود، اما در آن بخش از صنایع پایین دستی که به دلیل عدم تکمیل زنجیره ارزش و تأمین^۳، فعال نیستند و یا بنا به دلایلی تعطیل یا نیمه‌تعطیل هستند، ارتقای فناوری، سبب خواهد شد، این بخش‌ها احیا شود و اساساً به دلیل فناوری ایجاد شده، صرفه اقتصادی برای توجه به آنها بالا رود و موجب رونق آنها شود و فرصت‌های شغلی جدیدی را ایجاد کند که تا به حال وجود نداشته است.

به تعبیری وارد شدن شرکت‌های دانش بنیان به صورت جدی به کشف، شناسایی و ایجاد ظرفیت‌های فناورانه برای عرصه‌های جدید، تعطیل یا نیمه‌تعطیل، سبب رشد اشتغال می‌شود. در بند «۳» سیاست‌های کلی اشتغال^۱ ظرفیت اشتغال‌زایی از طریق توسعه اقتصاد دانش بنیان

اقتصادی و همچنین توجه به دانش به عنوان یک محصول مستقل قابل عرضه در بازار را مورد توجه داشته است.

طبق تعریف مقررات داخلی نیز محصول دانش بنیان شامل هر محصولی نیست که فناوری در ایجاد یا تقویت آن نقش داشته است، بلکه باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد. طبق بند «ج» ماده (۱) برنامه توسعه تولید محصولات دانش بنیان مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۰ هیئت وزیران، محصول دانش بنیان این مؤلفه‌ها را دارد:

- در طبقه فناوری‌های بالا و متوسط به بالا باشد.
- عمده ارزش افزوده آن ناشی از دانش فنی و نوآوری فناورانه باشد.
- تولید آن دارای پیچیدگی فنی بوده و نیازمند تحقیق و توسعه مداوم باشد.

با توجه به مطالبی که بیان شد، میان آنچه به عنوان تولید دانش بنیان در ادبیات سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری و قوانین و مقررات کشور وجود دارد، نقطه اشتراکی وجود دارد و آن گسترش کاربرد فناوری در توسعه اقتصادی است و ممکن است، محصولی که با کاربرد فناوری و ایده تولید می‌شود، محصولی از جنس فناوری نباشد، اما فناوری در ایجاد آن نقش داشته باشد. با این وجود، وجه دیگر تولید دانش بنیان که وجه افتراق محسوب شده و در مقررات بیان شده است، نگاه به دانش و فناوری و نتایج آن به عنوان یک محصول مستقل و قابل عرضه است. برای مثال، فناوری ساخت یک نوع محصول خاص نیز می‌تواند، مستقلاً به عنوان یک محصول دانش بنیان خرید و فروش شود. علاوه بر تبیین مفهوم دانش بنیان، ضروری است، وصف اشتغال آفرین برای تولید نیز دقت شود. مطابق با بند «۳» سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغی ۱۳۹۰/۴/۲۸ مقام معظم رهبری، ۱ تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین را می‌توان ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش بنیان تعریف کرد. به این معنا که توجه به اقتصاد دانش بنیان و تولید دانش بنیان باید به گونه‌ای باشد که از درجه توسعه این بخش، فرصت‌های جدید شغلی پایدار به همراه داشته باشد؛ برای مثال، توسعه فناوری در حوزه ساخت رایانه می‌تواند منجر به شکل‌گیری فرصت‌های شغلی جدیدی در جهت راه‌اندازی این صنعت محسوب شود.

هر چند به باور برخی دانش بنیان شدن تولید با جنبه اشتغال آفرینی آن قابل جمع نیست،^۲ اما در شعار تعیین شده توسط رهبری برای سال ۱۴۰۱، این دو در کنار هم آمده است. دلیل قابل جمع نبودن این دو را

۱. بند «۳» سیاست‌های کلی اشتغال - «یجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش بنیان و آینده‌نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی».
 ۲. در حقیقت، برخی معتقدند که در کوتاه مدت افزایش دانش و تکنولوژی سبب کاهش اشتغال و بیکاری می‌شود، اما عده دیگری نیز مخالف این نظر هستند. هر چند هر دو گروه معتقدند که افزایش تکنولوژی در بلندمدت تأثیر مثبت خواهد داشت. رک: حمیدی کیا، رضا، عباسیان، عزت‌الله، «عوامل مؤثر بر بیکاری تکنولوژیکی و دلالت‌های آن برای چشم‌انداز اقتصاد کلان ایران»، ص ۱۱۴.
 ۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۱/۱/۲۳.
 ۴. زنجیره ارزش دربرگیرنده یک سلسله اقدامات تجاری است که باید انجام گیرد تا در هر مرحله به ارزش محصول که به رضایت مشتری منجر می‌گردد، بیفزاید و از طرفی مدیریت زنجیره تأمین عرضه‌کنندگان، توزیع‌کنندگان و مشتریان را با استفاده از فناوری اطلاعات جهت برآورده کردن هر چه مؤثرتر و کارا تر انتظارات مشتریان با همدیگر ادغام می‌نماید. زنجیره تأمین شامل تمام کسب و کارها و واحدهایی است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأمین‌کننده و برطرف‌کننده تقاضای مشتری نهایی هستند. رک: یادآور نهندی، یونس، عبدی گلزار، بهمن، «زنجیره ارزش، زنجیره تأمین، وجوه افتراق و اشتراکشان»، سومین همایش سراسری مباحث کلیدی در علوم مدیریت و حسابداری، ۱۳۹۵.

در نهایت با توجه به مطالبی که بیان شد، به نظر می‌رسد، «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» تولیدی است که نتیجه بهره‌گیری از فناوری و کاربرد نوآوری است و از جمله اهداف آن، افزایش سطح کمی و کیفی تولید و محصول و ایجاد افق‌های جدید توسعه و اشتغال محسوب می‌شود و اهداف کلان اقتصادی نظیر رشد و توسعه اقتصادی، امنیت اقتصادی، استقلال اقتصادی، کارایی، بهره‌وری، عدالت اقتصادی و ارتقای سطح دانش و علم را موجب خواهد شد.

مورد تأکید قرار دارد که نشان می‌دهد، اقتصاد دانش بنیان مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام، نه تنها موجب کاهش ظرفیت اشتغال کشور نخواهد شد، بلکه اشتغال پایدار نیز ایجاد می‌شود. مطلب دیگر اینکه حتی در صنایع غیر تعطیل و بالادستی نیز لزوماً افزایش فناوری، موجب کاهش اشتغال نیست؛ زیرا فناوری می‌تواند میدان‌ها و افق‌های جدید را باز کند؛ از طرف دیگر باید در نظر داشت، تولید دانش بنیان با معطوف شدن به بخش دانشگاهی، قابلیت ایجاد اشتغال گسترده را نیز خواهد داشت. در بند «۲» سیاست‌های کلی اشتغال^۲، بحث جلب همکاری بخش آموزشی کشور با بخش صنعتی ذکر شده است که در صورت ایجاد چنین ظرفیتی، افزایش اشتغال برای دانشجویان فراهم می‌شود.

[اهمیت و جایگاه «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» از منظر سیاست‌های کلی نظام]

- حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی به‌ویژه در حوزه‌های دارای مزیت و ظرفیت (جزء «۱» بند «۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری)
- کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات در داخل (جزء «۲» بند «۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری)
- ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش بنیان (بند «۳» سیاست‌های کلی اشتغال)
- دانش بنیان کردن صنایع بالادستی و پایین دستی نفت و گاز (بند «۱۷» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه)

همه این موارد نشان می‌دهد که در سیاست‌ها افزایش سهم تولید دانش بنیان یکی از اهداف کلیدی بوده است که هدف از آن تحقق هم‌زمان افزایش تولید و ارتقای فناوری است. به صورت کلی، از جمله مزایای نوآوری و دانش در اقتصاد کشور این است که رشد اقتصادی پایدار، افزایش قدرت رقابت‌پذیری محصولات و ارتقای کارایی و استاندارد را به همراه می‌آورد (ابراهیمی و نجومی، ۱۳۹۳: ۱۴). رهبری در خصوص رشد تولید مبتنی بر فناوری و دلیل کاربرد این موضوع بیان می‌دارند:

«اگر ما این سیاست را دنبال کردیم و دانش را پایه و زمینه‌ی اقتصاد کشور قرار دادیم و بنگاه‌های اقتصاد دانش بنیان را افزایش دادیم — که بعد عرض می‌کنم — منافع زیادی برای کشور و برای اقتصاد کشور خواهد داشت: هزینه‌ها را کاهش می‌دهد؛ یعنی اقتصاد دانش بنیان موجب کاهش هزینه‌های تولید می‌شود؛ بهره‌وری را افزایش می‌دهد»

موضوع تولید به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین موضوع‌ها در سیاست‌های کلی نظام مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که عنوان یکی از سیاست‌های کلی رانیز همین موضوع به خود اختصاص داده است. مفاهیم و موضوع‌هایی نظیر افزایش بهره‌وری در تولید، رفع فقر با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید، اصلاح و بازسازی ساختار تولید ملی، بهبود کیفیت تولید و ارتقای کیفی و افزایش کمی تولید ملی از جمله مباحثی است که در سیاست‌ها به آن پرداخته شده است و نشان‌دهنده این مطلب است که به مقوله تولید به‌عنوان عنصر پیشران در میان مؤلفه‌های کلیدی دیگر نگاه شده است. در این میان، شعار «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» جایگاه به‌خصوصی دارد؛ چرا که در این شعار نگاه هم‌زمان به سه مقوله افزایش سطح تولید، افزایش دانش و فناوری و افزایش سطح اشتغال وجود دارد. در سیاست‌های کلی نظام تا حد زیادی به رابطه معنادار تولید و فناوری توجه شده است که می‌توان این مطلب را ریشه سیاست تعیین شده در سال ۱۴۰۱ دانست. از جمله مؤلفه‌های کلیدی که در سیاست‌های کلی نظام ناظر بر رابطه تولید و فناوری آمده است می‌توان به این موارد اشاره داشت:

- افزایش سهم تولید محصولات و خدمات مبتنی بر دانش پیشرفته و فناوری داخلی در تولید ناخالص داخلی با هدف دستیابی به سهم ۵۰ درصد (بند «۲» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ مقام معظم رهبری)
- توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید (جزء «۱» بند «۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی ۱۳۹۳/۶/۲۹ مقام معظم رهبری)

۱. بند «۳» سیاست‌های کلی اشتغال - ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش بنیان و آینده‌نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی.
۲. بند «۲» سیاست‌های کلی اشتغال - آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقاء توان کارآفرینی بامسئولیت نظام آموزشی کشور (آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی) و توأم کردن آموزش و مهارت و جلب همکاری بنگاه‌های اقتصادی جهت استفاده از ظرفیت آنها.



خواهد شد و نفوذ اقتصادی و تعاملات بین‌المللی اقتصادی را نیز گسترش خواهد داد؛ به همین دلیل در جزء «۱» بند «۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری^۳، موضوع حمایت از صادرات محصولات دانش‌بنیان مورد تأکید قرار گرفته و قید دارای مزیت بودن آن در امر حمایت از صادرات آنها اشاره شده است. به علاوه، افزایش میزان تولید از این طریق با امر خودکفایی، استقلال و امنیت اقتصادی کشور رابطه معناداری دارد و نیاز به واردات محصولات و خروج ارز از کشور را کاهش می‌دهد. برای مثال، در خصوص دانش‌بنیان کردن صنایع نفت و گاز در بند «۱۷» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغی ۱۳۹۴/۴/۹ مقام معظم رهبری^۴ در خصوص تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی سخن گفته شده است.

■ بعد دیگر افزایش بهره‌وری به وسیله تولید دانش‌بنیان، ارتقای کیفیت محصولات است. طبیعتاً فناوری، می‌تواند در کیفیت ساخت محصولات و دوام و کارایی آنها تأثیر مستقیم گذارد که یکی از اقدامات دولت بایستی مبتنی بر بند «۸» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۵، برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت محصولات تولیدی باشد. همین امر سبب افزایش رضایت‌مندی از محصول و در مجموع به نفع مصرف‌کننده خواهد بود. از سوی دیگر، موضوع کاهش هزینه تولید محصولات، به کاهش هزینه مصرف برای مصرف‌کننده منجر خواهد شد که این مطلب نیز در راستای تقویت حقوق مصرف‌کننده خواهد بود.

بنابراین تولید دانش‌بنیان از یک سو با افزایش سطح تولید و از سوی دیگر با ارتقای کیفیت محصولات و رضایت مشتری از کالای داخلی ارتباط خواهد داشت. به علاوه در یک دیدگاه کلان، موجبات تحقق شاخص‌های توسعه اقتصادی و استقلال اقتصادی را فراهم خواهد آورد. در بند «۷» سیاست‌های کلی اشتغال^۶، هدف اساسی در حرکت اقتصادی کشور، کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقای بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تولید عنوان شده است که عنصر کلیدی بهره‌وری در کنار افزایش تولید می‌تواند نشان‌دهنده اثرگذاری بهره‌وری بر افزایش تولید باشد.

که امروز یکی از مشکلات ما کاهش بهره‌وری است؛ کیفیت محصول را افزایش می‌دهد، بهبود می‌بخشد و محصولات را رقابت‌پذیر می‌کند؛ یعنی در بازارهای جهانی، ما می‌توانیم از این محصولات به‌عنوان محصولات رقابت‌پذیر استفاده کنیم، در داخل کشور هم همین جور؛ یعنی در داخل کشور هم، ولو ما در مورد واردات هم خیلی تعرفه نگذاریم و واردات سرازیر بشود، وقتی محصول داخلی کیفیت بهتری داشت، قیمت ارزان‌تری داشت، مردم طبعاً به آن اقبال می‌کنند؛ یک چنین خصوصیتی در تولید دانش‌بنیان وجود دارد. در واقع دانش‌بنیان کردن تولید، بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی را ارتقا می‌دهد؛ ... یکی از مشکلات کشور کاهش بهره‌وری است؛ ... اگر چنانچه ما به سمت می‌توان عنصر اساسی در توجه به تولید دانش‌بنیان را مؤلفه بهره‌وری دانست. در حقیقت، جهت‌دهی صرف به تولید اگر چه می‌تواند به بهبود بسیاری از شاخص‌ها بینجامد، اما آن بخش از نظام تولیدی که بتواند بهره‌وری در تولید را بیش از پیش افزایش دهد، ارزش بیشتری خواهد داشت؛ چراکه رویکرد بهره‌وری در تولید موجب توسعه فرایند تولید، اصلاح و تداوم آن خواهد بود. در این میان، یکی از کلیدی‌ترین عناصر در زمینه افزایش بهره‌وری، تولید دانش‌بنیان تلقی می‌شود. به این صورت که با افزایش سطح فناوری در تولید محصول، از هزینه‌های اضافی که به موجب ضعف در فناوری وجود دارد، جلوگیری می‌شود؛ در نتیجه:

■ هزینه تمام‌شده برای تولیدکننده کمتر خواهد شد و همین موضوع شرکت‌های تولیدی را به سمت توسعه و رونق محصولات خواهد کشاند و انگیزه‌ای برای افزایش میزان تولید خواهد شد. نیازهای به‌وجود آمده برای محصولات جدید فناوریانه نیز سبب توسعه و گسترش محصولاتی خواهد شد که با ایده‌های جدید به‌وجود آمدند و سایر شرکت‌ها را به سمت تولید کالاهای جدید سوق خواهد داد که در مجموع به افزایش سطح تولید منجر می‌شود. موضوع کاهش هزینه‌های تولید و ارتباط مستقیم آن با افزایش بهره‌وری عوامل تولید در بند «۱» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۷ ذکر شده است.

■ افزایش سطح تولید با ارتقای فناوری به دلیل ایجاد ارزش افزوده و مزیت رقابتی که در کالا ایجاد می‌کند زمینه و ظرفیت صادرات را نیز فراهم می‌کند و موجب اقبال کشورهای دیگر به محصولات تولیدی

۱. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۱/۱/۱.

۲. بند «۱» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره‌وری عوامل تولید با: ... کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت تولید

۳. بند ۶-۱ سیاست‌های کلی علم و فناوری - توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش‌بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی به ویژه در حوزه‌های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امر واردات و صادرات کشور.

۴. بند «۱۷» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه - دانش‌بنیان کردن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی.

۵. بند «۸» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.

۶. بند «۷» سیاست‌های کلی اشتغال - هماهنگ‌سازی و پایداری سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقای بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تولید.

[زمینه‌ها و ظرفیت‌های «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین»]

و به تعبیری استقلال سیاسی - اقتصادی کشور به سبب تولید محصولات اساسی و راهبردی کشور نظیر نان، گوشت و برنج و نیز ارائه خدمات محیط زیستی از جمله تصفیه هوا اشاره کرد. بسیاری از کالاهای اساسی مربوط به این صنعت نظیر تولید نان اشاره کرد. همچنین جلوگیری از واردات محصولات کشاورزی از سایر کشورها به دلیل تحول در صنایع کشاورزی و افزایش بهره‌وری در آن می‌تواند به امنیت غذایی^۱، استقلال اقتصادی^۲ و خودکفایی^۳ منجر شود. به علاوه، دانش بنیان شدن و به کارگیری علوم و فناوری در تحول کشاورزی کشور بسیار مؤثر است و آثار فراوانی به همراه دارد؛ زیرا با توجه به نقش فناوری در حوزه‌هایی نظیر آبیاری، اصلاح بذر و کمک به حل معضلات این حوزه، می‌توان از هدر رفت منابع جلوگیری کرد و به صورت چشمگیری زمینه ارتقای سطح کشاورزی را فراهم کرد. در واقع با بهینه شدن مصرف آب کشور به ویژه در حوزه کشاورزی، کم‌آبی در این حوزه و سایر حوزه‌های نیازمند آب مرتفع خواهد شد. ضمن اینکه نفوذ دانش و فناوری به کل در زنجیره ارزش محصولات کشاورزی به ویژه نظام تأمین مالی و نظام ارزش بهبود معیشت کشاورزان، کمک به تقویت اقتصاد روستا و مهاجرت معکوس و ارزآوری اثرگذار است.^۴

مقام معظم رهبری نیز در خصوص اهمیت تولید دانش بنیان در حوزه کشاورزی و جایگاه آن چنین اشاره داشته‌اند:

«اگر ما در کشاورزی، شرکت‌های دانش بنیان را افزایش بدهیم و دانش را در مسئله‌ی کشاورزی به کارگیری کنیم، می‌توانیم در امر اصلاح بذر ... در مورد آبیاری نوین، در مورد شیوه‌های جدید تولید، در مورد بهره‌وری بهتر از آب و خاک ... می‌توانیم حداکثر استفاده را بکنیم، بهره‌وری مان را افزایش بدهیم و اینها را اصلاح کنیم. وقتی که در کشاورزی توانستیم این پیشرفت‌ها را به وجود بیاوریم و تحول جدی ایجاد بکنیم، این موجب می‌شود که اولاً امنیت غذایی کشور حاصل بشود و به دست بیاید، یعنی کشور از لحاظ مسائل غذایی هیچ‌وقت دچار مشکل نشود، هیچ نگرانی‌ای وجود نداشته باشد؛ ثانیاً درآمد کشاورزان افزایش پیدا کند؛ همچنین معضل کمبود آب را می‌شود حل کرد.»

سیاست‌های کلی نظام، موضوع‌های محوری خاصی در زمینه ارتقای فناوری و افزایش تولید دانش بنیان مورد توجه قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده شناسایی برخی اولویت‌ها و ظرفیت‌ها برای مجریان در زمینه ترویج و توسعه تولید دانش بنیان است. مقصود از این زمینه‌ها و ظرفیت‌ها، بسترها و حوزه‌هایی است که در سیاست‌های کلی برای بهره‌گیری از تولید دانش بنیان جهت ارتقای وضعیت این حوزه‌ها مورد توجه واقع شده است؛ برای مثال، بستر و زمینه‌های مثل صنایع کشاورزی به‌طور جدی در سیاست‌های کلی نظام برای استفاده از تولید دانش بنیان جهت ارتقای آن مورد اشاره قرار دارد. این زمینه‌ها و ظرفیت‌ها شامل آن دسته از موضوع‌های کلانی هستند که صنایع مربوط به آنها دارای ماهیت راهبردی هستند. در بند «۲۸» سیاست‌های کلی برنامه ششم، اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، آب و کشاورزی و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها اشاره شده است؛ در نتیجه، دولت در خصوص ارتقای تولید دانش بنیان در این حوزه‌ها تکلیف جدی دارد و موظف به سرمایه‌گذاری و تقویت این بخش‌هاست. حمایت از محصولات راهبردی تولیدی در این حوزه‌ها نیز طبق بند «۶» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۵ باید در دستور کار دولت و مجلس باشد. طبیعتاً زمینه‌ها و ظرفیت‌های تولید دانش بنیان به مواردی که در این بخش بیان خواهند شد، ختم نمی‌شود؛ اما با توجه به الزام آور بودن و اهمیت سیاست‌های کلی نظام، تحقق این زمینه‌ها باید بیش از دیگر موارد، مورد نظر قرار گیرد. در ادامه به بررسی این موارد در سیاست‌های کلی نظام خواهیم پرداخت.

بخش کشاورزی و غذایی

یکی از اصلی‌ترین بخش‌هایی که در سیاست‌های کلی نظام، از حیث افزایش سطح تولید با اقتصاد دانش بنیان مورد توجه قرار گرفته است، موضوع صنایع کشاورزی و غذایی است. در حقیقت، این بخش به‌عنوان صنعت راهبردی شناسایی شده است که تحول در آن به تحول در برخی شاخص‌های اقتصادی تولید ملی منجر می‌شود. از جمله دلایل اهمیت این صنایع می‌توان به نقش آن در تحقق خودکفایی و تأمین امنیت غذایی

۱. بند «۸۲» سیاست‌های کلی برنامه ششم - اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.

۲. بند «۶» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

۳. بند «۲» سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی ابلاغی ۱۳۹۱/۹/۲۹ به این موضوع اشاره دارد: «تأمین امنیت غذایی با تکیه بر تولید از منابع داخلی و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی، ارتقاء سطح سلامت مواد غذایی تا استاندارد جهانی، اصلاح و بهینه کردن الگوی مصرف و حمایت مؤثر از تولید و صادرات در محصولات دارای مزیت‌های نسبی و ایجاد مزیت‌های جدید (از جمله هدفمند کردن یارانه‌ها در جهت تولید و صادرات)». همچنین بند «۶» سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی ۱۳۹۳/۱/۱۸ در این خصوص تأکید دارد «تأمین امنیت غذایی و بهره‌مندی عادلانه آحاد مردم از سبد غذایی سالم، مطلوب و کافی، آب و هوای پاک، امکانات ورزشی همگانی و فرآورده‌های بهداشتی ایمن همراه با رعایت استانداردهای ملی و معیارهای منطقه‌ای و جهانی».

۴. اولین گزاره‌ای که در اصل چهل و سوم قانون اساسی به‌عنوان اولویت و هدف نظام جمهوری اسلامی در عرصه اقتصاد بیان می‌شود، استقلال اقتصادی است. اصل چهل و سوم قانون اساسی مقرر می‌دارد که «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود ...».

۵. بند «۱۳» اصل سوم قانون اساسی در این خصوص در بیان وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها». همچنین بند «۹» اصل چهل و سوم قانون اساسی بر این مهم به‌عنوان یکی از ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تصریح دارد؛ بند «۹» اشعار می‌دارد: «تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند».

۶. برای مطالعه بیشتر در خصوص راهبردی بودن صنعت کشاورزی و آثار تولید دانش بنیان در این حوزه، ر.ک: محمدی خیاره، محسن، «توسعه کشاورزی دانش بنیان در راستای اقتصاد مقاومتی»، صص ۶-۱.



فناوری‌های روز در بخش کشاورزی مورد تأکید واقع شده است؛ این یعنی فناوری‌های موجود در حوزه گسترش کشاورزی نیز نباید وارداتی باشند و این فناوری‌ها باید با توجه به بوم ایران، بازطراحی بشوند تا از نیازمندی داخلی به ابزارهای فناوری خارجی کاسته شده و فناوری این حوزه با توجه به بوم ایران بازطراحی شده و توسعه یابد.

بخش نفت و گاز

نقش فناوری و علم در صنایع نفت و گاز نسبت به افزایش تولید، توسعه میادین، نحوه توزیع، تبدیل به سایر مواد و موارد بی‌شمار دیگر قابل تحقق است. از سوی دیگر، توجه به تولید دانش بنیان در این حوزه با توجه به برخی مسائل و چالش‌ها در این حوزه ضرورت دارد؛ زیرا صنعت نفت و گاز ایران با وجود برخورداری از تجربه بیش از صد سال در زمینه تولید نفت، هنوز در هدایت همه بخش‌های عملیاتی و اجرایی به صورت درون‌گرا و با استفاده از توان داخلی کامیاب نبوده است (کازمی نجف‌آبادی و غفاری، ۱۳۹۷: ۲۱۲). دلیل دیگر رجوع به موضوع فناوری و دانش بنیان‌ها لزوم افزایش تولیدات در حوزه نفت و گاز به عنوان راهبردی مهم در سیاست‌های کلی نظام است.^۶ لذا باید از فناوری در افزایش کمی و کیفی کشف و استخراج نفت خام استفاده شود. موضوع فناوری و نقش آن در افزایش تولید صرفاً در موضوع افزایش تولید نفت خام و ارتقای صنایع بالادستی نفت و گاز مورد توجه قرار نگرفته است، بلکه در حوزه‌های پایین‌دستی این صنایع نیز در سیاست‌های کلی نظام نیز این موضوع دنبال شده است.^۷

موضوع دانش بنیان کردن این صنایع، اعم از بالادستی و پایین‌دستی به صورت مشخص در بند «۱۷» سیاست‌های کلی برنامه ششم^۸ از طریق تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری توسعه مورد تأکید قرار گرفته است. مبتنی بر این بند، از جمله وظایف وزارت نفت توجه به نکات ذیل است:

- صرفاً ایجاد و تأسیس شرکت‌های دانش بنیان در حوزه نفت هدف مذکور را محقق نمی‌کند، بلکه باید برنامه‌های حمایتی و تقویتی برای رفع رکود، رشد و توسعه شرکت‌های دانش بنیان موجود طراحی شود

شرکت‌های دانش بنیان در بخش کشاورزی، چهار درصد همه شرکت‌های دانش بنیان ما است... مسئله‌ی کشاورزی مهم است، مسئله‌ی دامداری بسیار مهم است و کشور در محصولات پایه‌ی غذایی بایستی به امنیت کامل و به خودکفایی لازم حتماً دست پیدا کند. ما بایستی در مورد گندم، در مورد خوراک دام - ذرت، جو، امثال اینها - و مواد اصلی تولید روغن به خودکفایی برسیم. باید در ذرت، در جو، در بقیه‌ی چیزهایی که کالاهای اساسی نامیده می‌شود، حتماً به خودکفایی برسیم.^۱

«یک بخش‌هایی هست که امنیت اقتصادی متوقف بر آنها است؛ مثلاً فرض کنید بخش کشاورزی... که یکی از وابسته‌ترین بخش‌های ما به واردات و به خارج، بخش کشاورزی ما است. در حالی که بخش کشاورزی به امنیت غذایی ما ارتباط پیدا می‌کند؛ [این] مسئله‌ی مهمی است.»^۲ در سیاست‌های کلی نظام، این زمینه و خط‌مشی (اولویت‌دهی به بخش کشاورزی در زمینه ارتقای سطح فناوری و افزایش تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین) به صورت جدی مورد توجه واقع شده است: اولاً به صورت کلی، تأمین زیرساخت‌ها برای تولید در حوزه کشاورزی مورد توجه واقع شده است؛ به این منظور موضوع توسعه سرمایه‌گذاری، ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری، اعطای پوشش مناسب بیمه به کشاورزان، کاهش احتمال زیان تولید، اصلاح فرایندها و نظام بازار محصولات کشاورزی و ارتقای درآمد کشاورزان در بندهای «۶»، «۷» و «۹» سیاست‌های کلی کشاورزی مورد توجه واقع شده است.^۳ از سوی دیگر، دانش بنیان شدن این حوزه نیز در این سیاست‌ها به صورت جدی مطرح شده است. در بند «۴» سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی،^۴ بر نوسازی نظام تولید کشاورزی بر مبنای دانش نوین تأکید شده است. این بدان معناست که باید در همه بخش‌های تولید کشاورزی از ظرفیت اقتصاد دانش بنیان استفاده کرد.

در بند «۵» سیاست‌های کلی کشاورزی،^۵ نیز به استفاده علمی و بهره‌برداری بهینه از نهاده‌های تولید در بخش کشاورزی در راستای دانش بنیان‌سازی کشاورزی مورد توجه قرار گرفته است، از سوی دیگر در بند «۴» سیاست‌های کلی کشاورزی، موضوع بومی‌سازی

۱. سخنرانی نوری خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۱/۱/۱.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۱/۱/۲۳.

۳. بند «۶» سیاست‌های کلی کشاورزی - گسترش زیرساخت‌ها و ایجاد انگیزه برای جذب و توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با پوشش مناسب بیمه، کاهش احتمال زیان تولید، اجرای سیاست‌های حمایتی و متعادل کردن سطح سودآوری کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصادی.

بند «۷» سیاست‌های کلی کشاورزی - حمایت مؤثر از ساماندهی فرایند تولید و اصلاح نظام بازار محصولات کشاورزی با هدف بهبود رابطه مبادله‌ی بخش با سایر بخش‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید، رعایت قیمت تمام‌شده محصولات اساسی، تأمین درآمد تولیدکنندگان و منافع مصرف‌کنندگان و بهبود کیفیت مواد و فرآورده‌های غذایی.

بند «۹» سیاست‌های کلی کشاورزی - ارتقای سطح درآمد و زندگی روستاییان، کشاورزان و عشایر، توسعه پایدار روستاها و مناطق کشاورزی و رفع فقر با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید و تنوع‌بخشی و گسترش فعالیت‌های مکمل و اقتصادی به‌ویژه صنایع تبدیلی و روستایی و خدماتی نوین.

۴. بند «۴» سیاست‌های کلی کشاورزی - نوسازی نظام تولید کشاورزی بر مبنای دانش نوین و بومی‌سازی فناوری‌های روز، تربیت، حفظ و تجهیز نیروی انسانی مورد نیاز، توسعه و تقویت تعاونی‌ها و سایر تشکلهای اقتصادی، اجتماعی، صنفی و تخصصی با مشارکت آحاد جامعه و رقابتی کردن فعالیت‌ها در بخش.

۵. بند «۵» سیاست‌های کلی کشاورزی - ارتقاء بهره‌وری از آب در تولید محصولات کشاورزی و استفاده علمی و بهره‌برداری بهینه از سایر نهاده‌های تولید.

۶. در بند «۱۴» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در خصوص افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور و حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میادین مشترک سخن گفته شده است.

۷. در بند «۱۵» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و بالا بردن صادرات محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی مورد تأکید واقع شده است.

۸. بند «۱۷» سیاست‌های کلی برنامه ششم - دانش بنیان کردن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی.

برنامه هفتم توسعه ابلاغی ۱۴۰۱۳/۶/۲۱ نیز تأکید خاصی از میان فناوری‌های موجود بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات شده است و افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و تجاری‌سازی در خصوص این بخش به‌طور ویژه مورد مطالبه قرار دارد.

از جمله حوزه‌های جدی دیگر در فناوری اطلاعات و ارتباطات، موضوع امنیت فضای اطلاعاتی و ارتباطاتی است. در بند «۳» سیاست‌های کلی نظام در امور «امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا)» ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹ مقام معظم رهبری^۴ به‌طور جدی بر تولید علم و فناوری در حوزه امنیت سایبری و ارتقای سطح دانش و ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و صنعتی به این منظور تأکید شده است. بنابراین، بایستی نهادهای مسئول در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش بنیان را به سمت موضوع امنیت سایبری جهت‌دهی کنند.

در بند «۴» سیاست‌های کلی مزبور^۵ نیز به این موضوع اشاره شده که بایستی فناوری‌های ایجادشده در حوزه زیرساخت‌های امنیت شبکه‌های الکترونیکی و سامانه‌های اطلاعاتی به‌نحوی سامان یابند که دارای وصف بومی باشند و از توانمندی‌های تخصصی داخلی در ایجاد آنها بهره گرفته شود.

حوزه دیگری که در بخش فناوری اطلاعات باید مورد توجه قرار گیرد، توسعه بسترهای فناوری در فضای ارائه خدمات عمومی دولت است. موضوع دولت الکترونیک از جمله مقوله‌هایی است که در بند «۳۲» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۶ تقویت آن در بستر شبکه ملی اطلاعات دنبال شده است. به تبع این موضوع، توسعه شرکت‌های دانش بنیان نیز بایستی در این حوزه دنبال شود. یکی از وظایف دولت به نظر می‌رسد احصای نیازمندی‌های حوزه دولت الکترونیک و برون‌سپاری آنها به شرکت‌های دانش بنیان است که سبب تقویت شرکت‌های دانش بنیان و توسعه آنها خواهد شد. همچنین آموزش در مدارس نیز محلی است که می‌تواند بستر فعالیت شرکت‌های دانش بنیان باشد؛ چراکه در جزء «۴» بند «۷» سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ابلاغی ۱۳۹۲/۲/۵ مقام معظم رهبری^۷ تجهیز مدارس به فناوری اطلاعاتی و ارتباطی مورد تأکید قرار گرفته است.

و شرکت‌ها، پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های وزارت نفت در این میان نسبت به سایر موارد اولویت دارند.

● تأسیس شرکت‌های دانش بنیان جدید باید با توجه به سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی صورت گیرد و دولت تا حد ممکن نقش جهت‌دهی، نظارت و حمایت ایفا کند. بند «۱۵» سیاست‌های کلی برنامه ششم نیز بر «واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید در کلیه میادین نفت و تأسیسات صنعت نفت به مردم» تأکید دارد.

● بخشی از کار شرکت‌های دانش بنیان مربوط به امور فنی و میدانی حوزه استخراج، تبدیل، تولید و توزیع نفت است که شامل مهندسی، طراحی، ساخت است؛ اما بخشی از کار شرکت‌های دانش بنیان می‌تواند معطوف به انتقال فناوری نیز باشد. بر این اساس باید شرکت‌های دانش بنیانی تأسیس شود که آموزش فناوری و تخصص به نیروهای متخصص و یا بهره‌برداری و استفاده از دانش موجود را در جهان برای مهندسين و طراحان به همراه دارد.

بخش پزشکی

صنعت پزشکی، امروزه از جمله صنایع کلیدی محسوب می‌شود؛ زیرا ارتقا در آن علاوه بر توسعه صنعتی، کمک زیادی به تأمین سلامت عمومی می‌کند. این امر سبب شده است تا در سیاست‌های کلی نظام، نسبت به این بخش، مطالب قابل تأملی بیان شود و مجموعه‌ای از سیاست‌ها در قالب سیاست‌های کلی سلامت ابلاغ شود که در آن، تقویت تولید در این حوزه مورد مطالبه قرار گرفته است.

تولید و عرضه فرآورده‌های دارویی سنتی در جزء «۱» بند «۱۲» سیاست‌های کلی سلامت^۱ مورد توجه خاصی در حوزه پزشکی دانش بنیان واقع شده است. در این جزء به‌صراحت اعلام شده است که باید از توسعه نوآوری‌های علمی و فنی در فرآورده‌های دارویی سنتی حمایت شود.

بخش فناوری ارتباطات

مبتنی بر بند «۲۸» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۲ توسعه تولید دانش بنیان در حوزه فناوری ارتباطات نیز بایستی از جمله اولویت‌های دولت تعریف شده است. در بند «۲۰» سیاست‌های کلی

۱. بند ۱۲-۱ سیاست‌های کلی سلامت- ترویج کشت گیاهان دارویی تحت نظر وزارت جهاد کشاورزی و حمایت از توسعه نوآوری‌های علمی و فنی در تولید و عرضه فرآورده‌های دارویی سنتی تحت نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

۲. بند «۲۸» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه - اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.

۳. بند «۲۰» سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه - افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و تجاری‌سازی آنها به‌ویژه در حوزه‌های اطلاعات و ارتباطات و زیست‌فناوری و ریزفناوری و انرژی‌های نو و تجدیدپذیر.

۴. ارتقاء سطح دانش و ظرفیت‌های علمی، پژوهشی، آموزشی و صنعتی کشور برای تولید علم و فناوری مربوط به امنیت فضای اطلاعاتی و ارتباطی (افتا).

۵. بند «۴» سیاست‌های امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات ارتباطات - تکیه بر فناوری بومی و توانمندی‌های تخصصی داخلی در توسعه زیرساخت‌های علمی و فنی امنیت شبکه‌های الکترونیکی و سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی.

۶. بند «۳۲» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه - کسب جایگاه برتر منطقه در توسعه دولت الکترونیک در بستر شبکه ملی اطلاعات.

۷. بند «۴-۷» سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور - تجهیز مدارس به فناوری اطلاعاتی و ارتباطی و فراهم آوردن زمینه استفاده بهینه از آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های نو در مدارس



بخش فناوری زیست‌محیطی

موضوع بهره‌مندی از فناوری‌های نوآورانه زیست‌محیطی و ارتقای مطالعات و تحقیقات علمی در این حوزه در بند «۱۳» سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغی ۱۳۹۴/۸/۲۶ مقام معظم رهبری^۱ به‌صراحت ذکر شده است و طبق جزء «۳» بند «۱۵»^۲ این سیاست‌ها، انتقال و توسعه فناوری‌ها و نوآوری‌های این زمینه بایستی تسهیل شود؛ بنابراین دولت بایستی شرکت‌های فناور در این حوزه را شناسایی کرده و زمینه فعالیت آنها را تسهیل کند. مطابق بند «۱۳» سیاست‌های کلی مزبور، حفظ تعادل زیست‌بوم‌ها و پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست می‌تواند محور فناوری‌هایی باشد که در حوزه زیست‌محیطی قرار دارند. همچنین در بند «۲۰» سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، زیست‌فناوری و انرژی‌های نو و تجدیدپذیر به‌عنوان یکی از اولویت‌های توسعه فناوری در طول سال‌های اجرای این برنامه مورد توجه واقع شده است.

برای تولیدکنندگان و صنایعی که از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان در مقوله سازگاری با محیط زیست استفاده می‌کنند، در بند «۱۱»

سیاست‌های کلی محیط زیست،^۳ رویکرد حمایتی خاصی از جمله در زمینه عوارض و مالیات سبز اعلام شده است. مسئله مهمی که در حوزه محیط زیست، جدای از کاهش آلودگی و تخریب محیط زیست وجود دارد، موضوع شناسایی پدیده‌های زیست‌محیطی و کسب آمادگی برای آن است. در بند «۸» سیاست‌های کلی نظام برای پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح و حوادث غیرمترقبه، شناسایی پدیده‌های جوی و اقلیمی و نحوه پدیدار شدن خطرات، موضوع ایجاد نظام به‌هم‌پیوسته ملی پایش و بهبود نظام‌های هشدار سریع و پیش‌آگاهی بلندمدت با استفاده از فناوری‌های پیشرفته ذکر شده است؛ بنابراین استفاده از فناوری برای ایجاد سامانه‌های تشخیصی و اطلاعاتی در خصوص شناسایی پدیده‌های اقلیمی و ایجاد فناوری برای تشخیص و هشدار سریع مهم شناخته شده است؛ شرکت‌های دانش‌بنیان در این حوزه طبیعتاً قابل گسترش و توسعه خواهند بود.

راهنماهای حمایت از «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» از منظر سیاست‌های کلی نظام [

شدن نهادها و دستگاه‌های متولی امر و تمرکز بیشتر و بهتر در امر سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری در حوزه تقویت تولید دانش‌بنیان است.

راهنماهای عام

در سیاست‌های کلی نظام، این دست از راهنماها موارد متعددی را به خود اختصاص داده است. به‌منظور تبیین بهتر این راهنماها و همچنین شناسایی اینکه اجرایی‌سازی هر بخش از این راهنماها باید از سوی چه مراجعی دنبال شود، در ادامه، این راهنماها به‌صورت استقرایی در چند موضوع از جمله سیاست‌های پولی و مالی، مقررات‌گذاری اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، حمایت غیرمالی و مدیریت تولید و منابع انسانی بیان خواهند شد.

۱ سیاست‌های پولی و مالی

سیاست‌های پولی و مالی، مجموعه‌ای از تصمیمات و اقداماتی است که به‌وسیله نهاد‌های تأمین‌کننده منابع مالی به‌منظور تحت تأثیر قرار دادن مجموعه فعالیت‌های اقتصادی مرتبط به‌کار گرفته می‌شود. این سیاست‌ها معمولاً در جهت تنظیم و کنترل تقاضای کل تولید مطرح می‌شود (ستوده‌نیا و عابدی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). مبتنی بر بند «۹»

پس از شناخت برخی از بسترها و ظرفیت‌هایی که باید از حیث اجرای سیاست‌های کلی در حوزه «تولید دانش‌بنیان؛ اشتغال‌آفرین» مورد توجه و پایش نهاد‌های نظارتی قرار گیرد، ضروری است راهنماهای حمایتی مطرح شده در سیاست‌های کلی نظام به‌منظور هدایت مجربان در امر اجرا مورد بررسی قرار گیرد. در این بخش راهنماهای مذکور در دو قسمت بیان خواهد شد. بخش نخست به راهنماهای عام اختصاص دارد. راهنماهای عام، آن دسته از راهنماهایی است که مربوط به حمایت از تولید، فارغ از جنبه دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین بودن آن است. طبیعتاً این راهنماها می‌تواند، در زمینه افزایش تولید مؤثر باشد، اما صرفاً مربوط به راهنماهایی نیست که در سیاست‌ها به‌طور خاص برای حمایت از تولید دانش‌بنیان مطرح است. البته از این راهنماهای عام می‌توان در حمایت از تولید دانش‌بنیان نیز بهره برد. بخش دوم نیز راهنماهای خاص است که در رابطه با «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» است.

باید توجه داشت که تفکیک میان راهنماهای ذکر شده در این بخش، از سنخ تفکیک نسبی بوده و این تقسیم‌بندی با توجه به غلبه موضوع‌ها و دسته‌بندی‌هایی انجام شده که می‌توان برای آنها تصور کرد. با این وجود، هدف از چنین تقسیم‌بندی‌هایی ساده‌سازی راهنماها و مشخص

۱. بند «۱۳» سیاست‌های کلی محیط زیست - ارتقای مطالعات و تحقیقات علمی و بهره‌مندی از فناوری‌های نوآورانه‌ی زیست‌محیطی و تجارب سازنده‌ی بومی در زمینه حفظ تعادل زیست‌بوم‌ها و پیگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست.

۲. بند «۱۵-۳» سیاست‌های کلی محیط زیست - بهره‌گیری مؤثر از فرصت‌ها و مشوق‌های بین‌المللی در حرکت به‌سوی اقتصاد کم‌کربن و تسهیل انتقال و توسعه فناوری‌ها و نوآوری‌های مرتبط. ۳. بند «۱۱» سیاست‌های کلی محیط زیست - حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری‌ها و فناوری‌های سازگار با محیط زیست با استفاده از ابزارهای مناسب از جمله عوارض و مالیات سبز.

جایگاه و رتبه این شرکت‌ها در بخش تولید کشور را نوعی پول‌پاشی دانست که ثمره آن عدم اختصاص بودجه و منابع به بخش واقعی تولید کشور خواهد بود. در حقیقت مسئله مهم در کیفیت تأمین مالی، رساندن کمک‌های مالی به صورت دقیق به بخش واقعی تولید کشور است. براساس بند «۸» سیاست‌های کلی اشتغال،^۱ در پرداخت یارانه‌ها باید به حمایت از تولید و اشتغال مولد در بخش‌های خصوصی و تعاونی توجه شود.

یکی از مهم‌ترین نتایج تأمین مالی توأم با شناخت نسبت به فعالیت‌های اقتصادی این است که حمایت مالی دولت، با توجه به هر بخش اقتصادی، ممکن است، متفاوت اما منطقی و متناسب صورت بگیرد. به عنوان مثال، بخش کشاورزی از جمله پریسک‌ترین فعالیت‌های اقتصادی به شمار می‌رود و به همین دلیل، نیاز دارد نوعی سرمایه‌گذاری خطرپذیر در حوزه تأمین مالی آن تعریف شود. در این خصوص، بیشتر فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی در مناطق روستایی و عشایری از نوع بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط است که عموماً سرمایه اولیه و توان مالی کافی برای راه‌اندازی و یا توسعه فعالیت‌های خود ندارند و تا به مرحله سوددهی رسیدن و برگشت سرمایه به پشتیبانی مالی زیاد و طولانی مدت نیازمندند، ولی نظام بانکی کشور متناسب با ماهیت و ویژگی‌های این بنگاه‌ها توسعه پیدا نکرده است و بیشتر به دنبال بازپرداخت اصل و سود مربوطه در موعد مقرر ماهانه است تا مشارکت و همراهی مالی با این بنگاه‌ها فراهم نماید. بنابراین، می‌شود گفت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در تأمین مالی بخش کشاورزی، درک کافی از شرایط خاص تولید در بخش پریسک کشاورزی و نواحی روستایی و عشایری ندارند؛ فلذا توسعه صندوق‌ها یا نهادهای مالی با ماهیت سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر می‌تواند این ضعف را پوشش دهد. این موضوع در بند (۱۸) سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ابلاغی (۱۳۹۱/۱۱/۲۴)^۲ صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته است.

به علاوه، در خصوص شرکت‌های دانش بنیان یکی از مواردی که سبب می‌شود حمایت‌های مالی کارآمدی لازم را نداشته باشد، عدم شناخت کافی و صحیح نسبت به شرکت‌های دانش بنیان، از جمله کیفیت و درجه و رتبه آنها، میزان نیاز آنها به تسهیلات مالی، میزان نیاز آنها به کمک‌های غیرمادی و معنوی و جایگاه هر یک در بازار و کیفیت محصولات آنها است. در حقیقت، شناخت دقیقی نسبت به نقاط ضعف و حتی قوت شرکت‌های دانش بنیان در تولید، بازار و محصولات دانش بنیان وجود ندارد. این ضعف به عنوان یکی از عارضه‌های مربوط به عدم شفافیت اطلاعات در این حوزه شناسایی شده است (ستاد توسعه فرهنگ، علم، فناوری و

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور و تبعاً سیاست‌های پولی و مالی در راستای حمایت از حوزه تولید، ضروری است. همچنین در بند «۳» سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹ مقام معظم رهبری^۱ به صورت صریح به رابطه سیاست‌های پولی و تولید ملی اشاره شده است. به این شکل، صرفاً تدوین و تهیه این سیاست‌ها هدف نیست، بلکه زمانی سیاست‌های پولی و مالی در راستای تقویت تولید ملی پاسخگو خواهند بود که نخست این سیاست‌ها با یکدیگر تناسب و هماهنگی داشته باشند و سپس با سایر سیاست‌ها، قوانین و مقررات همخوانی داشته باشند.

یکی از مهم‌ترین مباحث در راهبردهای مالی و پولی که در سیاست‌های کلی نظام، در چند بخش به آن توجه شده است، مدیریت منابع مالی و ارزی است. در این موضوع نیز، نخستین مصداق را می‌توان مدیریت منابع صندوق توسعه ملی در راستای حمایت از تولید عنوان کرد. در بند «۱۹» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی،^۲ کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه ملی در جهت بهینه‌سازی و هم‌افزایی ظرفیت‌های تولیدی مورد تأکید قرار دارد. طبق این بند یکی از شاخص‌های تحقق حمایت از تولید، نظارت بر نحوه تخصیص اعتبار کارآمد به ظرفیت‌های تولیدی توسط این صندوق محسوب می‌شود. وجه دیگر کارآمدسازی مدیریت منابع مالی، ایجاد مدیریت به‌نحوی است که در آن اقدامات و بسترهای فسادزا در این حوزه جلوگیری شود و به صورت شفاف و سالم، مدیریت منابع مالی صورت گیرد. این امر سبب می‌شود بند «۱۹» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۳ مبنی بر سالم‌سازی، شفاف‌سازی و فسادزدایی نیز اجرایی شود. مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی نیز در بند «۷» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی،^۴ مورد توجه قرار گرفته است. با این بیان، مدیریت منابع با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی صرفاً به بخش صندوق توسعه ملی محدود نمی‌شود و شامل بانک مرکزی، سایر بانک‌های عامل و دیگر نهادها نیز می‌شود.

با توجه به مطلب بالا، تأمین منابع مالی برای تولید از لحاظ کیفیت و کارآمدی باید به خوبی مورد توجه واقع شود. به همین منظور رهبری در سخنرانی اخیر خود، پول‌پاشی و تزریق پول صرف برای حمایت از تولید را مورد انتقاد قرار دادند و به اصلاح این روش‌ها و کیفی‌سازی مدیریت تأمین مالی تأکید کردند.^۵ برای مثال، می‌توان اعطای وام توسط بانک‌ها به بخش تولیدی بدون توجه به طرح‌های تحقیق و توسعه شرکت‌های این بخش، بررسی عملکرد تولیدی، مالی و مدیریتی آنها و همچنین

۱. بند «۳» سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری - تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات و تقویت تولید ملی.

۲. بند «۱۹» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - کارآمدسازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه ملی در جهت بهینه‌سازی و هم‌افزایی ظرفیت‌های تولیدی و ارتقاء کیفی کار و سرمایه ایرانی.

۳. شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...

۴. بند «۷» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینی و ثبات ارزش پول ملی.

۵. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۱/۱/۱.

۶. بند «۸» سیاست‌های کلی اشتغال - توجه بیشتر در پرداخت یارانه‌ها به حمایت از سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مولد در بخش‌های خصوصی و تعاونی.

۷. بند «۱۸» سیاست‌های کلی تولید ملی - حمایت از محققان و سرمایه‌گذاران و تشویق ورود سرمایه‌های ایرانی به حوزه‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه با تأسیس صندوق‌های شراکت یا ضمانت برای سرمایه‌گذاری در این حوزه.



بند «۱۰» «سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری»^۵، سازماندهی رفتار تقنینی، اداری، قضایی، بازرسی، نظارت، حسابرسی و تخصصی کردن امور برای حمایت از تولید، لازم و ضروری دانسته شده است. طبق این بند، صرفاً ایجاد بسترها، اعطای کمک‌ها و تهیه نقشه راه برای تولید به تقویت تولید منجر نخواهد شد، بلکه برای حمایت از تولید رفتارهای حاکمیتی از قبیل شیوه قانونگذاری نیز بایستی اصلاح شود. بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری ابلاغی ۱۳۹۸/۷/۶ مقام معظم رهبری ۶ به صورت مشخص به شاخص‌های سامان‌دهی رفتار تقنینی و اصول و سیاست‌های قانونگذاری اشاره کرده است که شامل مؤلفه‌های قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن، معطوف بودن به نیازهای واقعی، شفافیت و عدم ابهام، ابتدا بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیرات اجرای قانون، ثبات، نگاه بلندمدت و ملی، انسجام قوانین، جلب حداکثری مشارکت ذی‌نفعان در فرایند قانونگذاری، عدالت‌محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا، عمومی بودن قانون و شمول و جامعیت آن و حتی الامکان پرهیز از استثناهای قانونی است. بدیهی است در خصوص قوانینی که در زمینه تولید به خصوص تولید دانش‌بنیان، تهیه و تدوین می‌شود بایستی مؤلفه‌های مطرح شده به‌طور خاص و با توجه به هدف تقویت تولید مورد پژوهش قرار گیرد. برای مثال، بایستی در فرایندهای قانونگذاری، جلب حداکثری مشارکت ذی‌نفعان، یعنی شرکت‌های دانش‌بنیان، لحاظ شود و یا به صورت ویژه انسجام قوانین در حوزه تولید مورد بررسی قرار گیرد و نهادها و قوانین زاید و دست‌وپاگیر حذف شود. در این خصوص به‌طور ویژه بایستی به مقررات و قوانینی که تولیدکنندگان را دچار مشکل می‌کند، بازنگری و حذف شود. یکی از نکات جدی در خصوص قانونگذاری نسبت به شرکت‌های دانش‌بنیان و تحقق بند «۱۰» «سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری»، بحث ارائه ضوابط کیفی و دقیق معیارهای تعریف و تشخیص شرکت‌های دانش‌بنیان است. ۷ در حقیقت، اینکه شرکتی دانش‌بنیان محسوب شود که به معنای واقعی کلمه نوآورانه

اقتصاد دانش‌بنیان، ۱۳۹۶: ۲۱). در همین راستا به نظر می‌رسد جزء «۴» بند «۲» سیاست‌های کلی علم و فناوری^۱ بر لزوم ساماندهی نظام ملی اطلاعات در حوزه فناوری به صورت جامع و کارآمد تأکید دارد. علاوه بر کیفیت تأمین مالی، کمیت منابع مالی نیز در حمایت از تولید بایستی مورد نظر مسئولان امر باشد. در بند «۲۲» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۲ در خصوص گسترش منابع مالی در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی سخن گفته شده است که نشان‌دهنده توجه هم‌زمان به افزایش کیفیت و کمیت در تأمین منابع مالی تولید است. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های افزایش این کمیت در بند «۴» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۳ مورد اشاره واقع شده است؛ طبق این بند بایستی از ظرفیت هدفمندسازی پارانه‌ها در جهت حمایت از تولید استفاده کرد. یکی از پیشنهادهایی که در این خصوص می‌توان ارائه کرد مشخص کردن ردیف مستقل برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در ردیف مصارف حاصل از هدفمندی در قوانین بودجه کل کشور است. در برخی موارد، صرفاً تأمین مالی بخش تولیدی از طریق اعطای وام و سایر تسهیلات محقق نمی‌شود، بلکه لازم است سیاست مالی به گونه‌ای تنظیم شود که هزینه‌های تأمین مالی نیز برای دولت و تولیدکنندگان به حداقل برسد. در این خصوص، راهبرد مطرح شده در بند «۲۲» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۴، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای است که این نهادها به دلیل اعطای کمک‌های مالی به تولیدکنندگان و پذیرش ریسک ضرر و زیان‌های آنها از تحمیل هزینه‌های بیشتر به دولت و تولیدکنندگان جلوگیری می‌کنند.

۲ سیاست‌های قانونگذاری و مقررات گذاری

هر چند بسیاری از راهبردهای مطرح در خصوص حمایت از «تولید» دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین^۵ می‌توانند در حوزه قوانین و مقررات منعکس شوند؛ در عین حال، در این بخش، مقصود ارتقای کیفیت قانونگذاری و مقررات گذاری به عنوان یک ابزار حقوقی برای حمایت از تولید است. در

۱. بند ۲-۴- سیاست‌های کلی علم و فناوری - ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد.
۲. گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز به‌ویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.
۳. بند «۲۲» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی پارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
۴. بند «۴» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - گسترش منابع مالی و کارآمدسازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی مورد نیاز به‌ویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای.
۵. بند «۱۰» «سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری» - سازماندهی رفتار تقنینی، اداری، قضایی، بازرسی، نظارت، حسابرسی و تخصصی کردن امور در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید.
۶. بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری - رعایت اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوائح و طرح‌های قانونی با تأکید بر:
 - قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن.
 - معطوف بودن به نیازهای واقعی.
 - شفافیت و عدم ابهام.
 - استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی.
 - بیان شناسه‌ی تخصصی هر یک از لوائح و طرح‌های قانونی و علت پیشنهاد آن.
 - ابتدا بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون.
 - ثبات، نگاه بلندمدت و ملی.
 - انسجام قوانین و عدم تغییر یا اصلاح ضمنی آنها بدون ذکر شناسه‌ی تخصصی.
۷. رهبری در این خصوص بیان داشته‌اند: «برای شرکت‌های دانش‌بنیان باید ضوابط کیفی تعیین بشود؛ این جور نباشد که فلان شرکتی که با فناوری چهل سال پیش دارد کار می‌کند، بیاید به عنوان شرکت دانش‌بنیان ثبت‌نام کند، مثلاً از بهره‌مندی‌ها و امکانات و تسهیلاتی که هست استفاده کند؛ این درست نیست. به معنای واقعی کلمه در [یک شرکت] دانش‌بنیان یک نوآوری باید وجود داشته باشد...» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱/۱۴۰۱/۲۳).

ترویج و تقویت فرهنگ‌های مذکور به‌دقت عملکرد نهادهای مسئول را مورد بررسی قرار دهند.

نخست ضروری است موضوع ترویج و تقویت فرهنگ اشتغال به کار و دوری از بیکاری و رجوع به کارهای غیرمولد در صدر موضوع‌های فرهنگی قرار گیرد؛ زیرا هر چه عموم مردم تمایل بیشتری به خلق ثروت و فعالیت اقتصادی داشته باشند، انگیزه توسعه محصولات بیشتر می‌شود. به‌علاوه، بخشی از مشکلات معیشتی و فقر می‌تواند ناشی از فرهنگ بیکاری و یا رجوع به کارهای غیرمولد و غیرمجاز باشد. بنابراین طبق بند «۱» سیاست‌های کلی اشتغال باید این موضوع به‌عنوان ارزش ترویج شود و طبق بند «۱» سیاست‌های کلی بخش صنعت ابلاغی ۱۳۹۱/۹/۲۹ مقام معظم رهبری^۱ بایستی منزلت کار و تلاش ارتقا پیدا کند.

از سوی دیگر، ترویج فرهنگ تولید و کارآفرینی که در بند «۲۰» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۲ مورد توجه قرار گرفته است، مقید به جهادی بودن شده است و از تعبیر فرهنگ جهادی استفاده شده است. در حقیقت، شناسایی ارزش کارآفرینی و تولید به‌عنوان جهاد سبب خواهد شد که تولیدکنندگان نه صرفاً با نیت کسب سود بلکه با نیت دستیابی به سطحی از معنویت و اخلاق به‌صورت مضاعف تلاش کنند. از آنجایی که بند مذکور سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به‌صورت مطلق بر تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری و کارآفرینی تأکید دارد، طبیعتاً به‌طور خاص نیز شامل ترویج فرهنگ تولید دانش بنیان و ایجاد شرکت‌های دانش بنیان نیز می‌شود.

در بعد دیگر فرهنگ‌سازی در زمینه تولید دانش بنیان، بایستی مردم نیز از محصول تولیدکننده حمایت کنند. این حمایت در سیاست‌های کلی نظام در قالب حمایت مصرفی دیده شده است، به این صورت که از کالاهای و خدمات داخلی حمایت صورت گیرد تا از سرمایه، کار، کالا و خدمات غیرداخلی کمتر استفاده شود و از این رهگذر، تولید داخلی توسعه پیدا کند. بند «۱۵» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، به توسعه فرهنگ حمایت از سرمایه، کار، کالاها و خدمات ایرانی اختصاص یافته است و بند «۸» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۳ بر ترویج فرهنگ مصرف کالاهای داخلی تأکید دارد. در خصوص تولید

باشد و مونتاز نباشد، نیازمند ضابطه‌گذاری است و ضابطه‌گذاری نیز تا حد زیادی بایستی کیفی باشد نه کمی. در این خصوص اصلاح قوانینی نظیر قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹/۸/۵ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۹۱/۸/۲۱ ضروری خواهد بود.

یکی از جنبه‌هایی که در سیاست‌های قانونگذاری و مقررات‌گذاری می‌توان دنبال کرد، بحث استفاده از الزام‌ها و ابزارهای قهری برای ایجاد فضای مناسب در حمایت از تولید است. طبیعتاً مواردی نظیر انحصار و اقدامات ضد رقابتی در فضای تولید می‌تواند مورد توجه تنظیم‌گری حقوقی قرار گیرد. در بند «۳۲» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۱ بر جلوگیری از ایجاد انحصار در چرخه تولید تصریح شده است. از ابزارهای مختلفی نظیر جلوگیری از توافق‌های ضد رقابتی و حمایت از شرکت‌های نوپا برای شکستن انحصار و یا تعیین جریمه می‌توان برای جلوگیری و ایجاد مانع در زمینه مقابله با انحصار استفاده کرد. هر چند به‌نظر می‌رسد جلوگیری از ایجاد انحصار صرفاً جنبه دفعی ندارد و باید حتی در صورت ایجاد انحصار با استفاده از ابزارهای حقوقی بر شکستن آن تأکید کرد.

۳ سیاست‌های فرهنگی

حمایت از تولید صرفاً با ابزارهای حقوقی یا اقتصادی محقق نخواهد شد؛ بلکه بخشی از آن معلول فرهنگ حاکم بر جامعه است. در سیاست‌های کلی نظام به این موضوع پرداخته شده و برخی از راهبردهای حمایت از تولید، معطوف به این موضوع شده است. عناصر فرهنگی حمایت از تولید که در سیاست‌های کلی نظام مورد تأکید واقع شده است، به چند بخش تقسیم می‌شود و شامل مواردی نظیر «فرهنگ اهتمام به کار و اشتغال»، «فرهنگ کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی»^۲ و «فرهنگ مصرف و استفاده از تولیدات داخلی»^۳ است. از این‌رو ضروری است طبق بند «۱» سیاست‌های کلی اشتغال^۴، موارد مذکور ترویج و تقویت شود. به‌علاوه، به‌نظر می‌رسد با توجه به این بند، ارکان نظام آموزشی و تبلیغی کشور در این خصوص به لحاظ حقوقی دارای مسئولیت هستند. در این زمینه باید نهادهای نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام، از حیث

۱. بند «۲۳» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - جلوگیری از ایجاد انحصار در چرخه تولید و تجارت تا مصرف.

۲. برای بررسی نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی ر.ک: دهانی، ناصر و کرد، حامد، «بررسی نقش ترویج فرهنگ کارآفرینی در بهبود شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی»، همایش بین‌المللی مدیریت، ۱۳۹۳. همچنین ر.ک: صالح‌نیا، نرگس؛ دهنوی، جلال؛ حق‌زاد، امین، «نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴۳ و ۴۴، مرداد و شهریور ۱۳۸۹.

۳. میان فرهنگ اهتمام به کار و فرهنگ کارآفرینی تفاوت وجود دارد. فرهنگ کارآفرینی یک مرتبه بالاتر است؛ زیرا صرفاً کار کردن و تلاش کردن اهمیت ندارد، بلکه کار ایجاد کردن و محور فعالیت اقتصادی قرار گرفتن نیز موضوعیت پیدا می‌کند.

۴. البته به‌نظر می‌رسد، «فرهنگ سرمایه‌گذاری، همکاری مالی و ارائه کمک و خدمات مالی به بخش‌های تولیدی» نیز می‌تواند مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد. به این معنا که یک فرهنگ جامع در میان آحاد مردم، فعالان اقتصادی بخش خصوصی و مسئولین نهادهای اقتصادی شکل گیرد که چنانچه منابع مالی در اختیار آنها قرار می‌گیرد، به‌جای قرار دادن سرمایه خود در کارهای غیرمولد، آن را به بخش مولد به‌خصوص تولید دانش بنیان اختصاص دهند. این می‌تواند در قالب سرمایه‌گذاری مالی در بورس، سرمایه‌گذاری‌های شخصی در فعالیت‌های مولد خرد و نوپا، انجام وقف خاص به‌منظور افزایش تولید، انفاق و کمک‌های مالی به تولیدکنندگان، ایجاد صندوق‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری و... تعیین پیدا کند. به‌نظر می‌رسد، توجه به این بخش از فرهنگ اقتصادی در سیاست‌ها مغفول واقع شده است و در صورت توجه به آن می‌توان بخش زیادی از منابع را با کار فرهنگی به سمت تولید هدایت کرد.

۵. بند «۱» سیاست‌های کلی اشتغال - ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی به‌عنوان ارزش اسلامی و ملی با بهره‌گیری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور.

۶. بند «۱» سیاست‌های کلی بخش صنعت - افزایش سهم بخش صنعت در تولید داخلی و افزایش ارزش افزوده‌ی بخش صنعت، با منزلت کار، تلاش و کارآفرینی.

۷. بند «۲۰» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۸. بند «۸» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.



دانش‌بنیان نیز چنین مطلبی وجود دارد و تبلیغ و اطلاع‌رسانی دولت برای خرید این محصولات بایستی وجود داشته باشد.

۱۴ سیاست‌های حمایت غیرمالی

در بند «۱» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، در خصوص مطلق اتخاذ انواع تدابیر تشویقی برای بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره‌وری عوامل تولید سخن گفته شده است. این حمایت‌ها صرفاً در حوزه پولی و مالی نمی‌باشند و در سیاست‌های کلی نظام زمینه‌های حمایتی و تشویقی دیگری وجود دارد که می‌توان آنها را با تعبیر «غیرمالی» بیان کرد. در همین راستا یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های حمایت غیرمالی می‌تواند ایجاد ظرفیت‌های تجاری برای تولیدکننده باشد. در این خصوص، بند «۲» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۱ به موضوع ایجاد ظرفیت برای تجاری‌سازی محصولات مبتنی بر فناوری اختصاص دارد. همچنین موضوع تجاری‌سازی نوآوری‌های علمی و فناوری‌ها در بند «۲۰» سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه مورد توجه واقع شده است. در حقیقت، زمانی که فناوری مورد نظر تجاری شود یا در حوزه برندسازی وارد شود، به شناسایی و گسترش محصول دانش‌بنیان منجر می‌شود که نوعی حمایت از این تولید محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، حمایت همه‌جانبه و هدفمند از صادرات کالاها از جمله مواردی است که به ظرفیت‌سازی تجاری برای تولیدکننده منجر می‌شود و بند «۱۰» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۲ بدان اشاره دارد. مبتنی بر این بند، ایجاد زمینه صادرات کالا می‌تواند، به تشویق تولیدکننده به افزایش تولید باشد. البته براساس این بند، بایستی حمایت از صادرات کالا همه‌جانبه باشد؛ یعنی پوشش این حمایت به نحوی گسترده باشد که همه دستگاه‌های دولتی موظف به تسهیل صادرات محصولات تولیدکنندگان باشند و صرفاً حمایت از صادرات مربوط به گمرک و تسهیل تعرفه‌های گمرکی نباشد.

حمایت غیرمالی دیگری که در مسئله تولید وجود دارد، ایجاد الزام‌های قانونی برای استفاده از دستاوردهای دانش‌بنیان‌ها و یارانه امکانات لازم از سوی بخش دولتی است. رهبری در این زمینه بیان می‌کند:

«مسئولان باید همت کنند و همت مسئولان هم به این است که حمایت کنند؛ چون شرکت‌های دانش‌بنیان مال مردم است؛ مردم، جوان‌ها این شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند لکن دستگاه‌ها بایستی از اینها حمایت

بکنند؛ حمایت عمدتاً به این است که محصولات اینها را بخرند، استفاده کنند یا اگر امکاناتی لازم دارند، به آنها امکانات را بدهند»^۳.

با این وجود، ایجاد زیرساخت‌ها و حمایت‌ها در فضای تجارت خارجی نباید از هر نوع فناوری باشد، بلکه مستند به جزء «۱» بند «۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری^۴ باید به سمت حمایت از صادرات محصولات رفت که فناوری‌های آنها بومی‌سازی شده باشد و دارای مزیت و ظرفیت باشد؛ در حقیقت، محصول باید ظرفیت رقابت در فضای بین‌المللی را داشته باشد و بتواند، مزیت خاصی ارائه دهد.

موضع حمایتی دیگر بازارسازی داخلی برای تولیدکننده محصولات است. در حقیقت، تنظیم بازار به گونه‌ای که تولیدکننده را ترغیب به فضای تولید کند، عنصر مؤثری است که در بند «۷» سیاست‌های کلی اشتغال^۵ مورد تأکید قرار دارد؛ برای مثال، تعیین تعرفه گمرکی برای برخی از کالاهای وارداتی که دارای مشابه داخلی هستند، می‌تواند بازار مناسب برای این محصولات ایجاد شود. بند «۲۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۶ نیز به ایجاد فرصت‌های جدید برای کارآفرینان اختصاص یافته است که یکی از این فرصت‌ها، فرصت‌های مربوط به ایجاد بازارهای جدید است. همچنین نظارت بر واردات نیز از جمله این نوع حمایت غیرمالی در حوزه تنظیم بازار محسوب می‌شود؛ بند «۵» سیاست‌های کلی سلامت^۷ به نظارت کارآمد بر واردات دارو با هدف حمایت از تولید اختصاص دارد که نقش کنترل واردات بر این حوزه را پررنگ می‌کند.

علاوه بر تجاری‌سازی محصول و توسعه بازارهای داخلی برای آن، حمایت قضایی از حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی نیز یکی از زیرساخت‌ها و حمایت‌های غیرمالی در چارچوب نظام قضایی خواهد بود؛ چنانچه دولت و دستگاه قضایی از حقوق تولیدکنندگان، به خصوص شرکت‌های دانش‌بنیان، حمایت کند و موجب تسریع در رسیدن به حقوق آنها شود، بستر لازم برای توسعه این دست شرکت‌ها افزایش خواهد داد. حمایت‌هایی نظیر جلوگیری از تعطیلی شرکت‌ها و تولیدات دانش‌بنیان به دلیل تأخیر در پرداخت دیون، تشکیل دادگاه و دادسرای اختصاصی برای رسیدگی به مطالبات تولیدکنندگان و جلوگیری از سوءاستفاده و استفاده غیرمجاز از ایده محصول تولید شده و... از این دست هستند. این حمایت‌ها به عنوان نخستین مؤلفه اقتصاد دانش‌بنیان در بند «۳» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۸ شناسایی شده است.

۱. بند «۲» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - حمایت از تجاری‌سازی فناوری محصول و بهره‌گیری از جذب و انتقال دانش فنی و فناوری‌های روز و ایجاد نظام ملی نوآوری.
۲. بند «۱۰» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات.

۳. سخنرانی روزی خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۰/۱/۱۱.

۴. بند ۶-۱ سیاست‌های کلی علم و فناوری - توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش‌بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی به‌ویژه در حوزه‌های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امر واردات و صادرات کشور.

۵. بند «۷» سیاست‌های کلی اشتغال - هماهنگ‌سازی و پایداری سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تولید.

۶. بند «۲۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه -... ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و حمایت‌های ویژه از فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی مزیت‌دار بومی

۷. بند «۵» سیاست‌های کلی سلامت - ساماندهی تقاضا و ممانعت از تقاضای القائی و اجازه تجویز صرفاً براساس نظام سطح‌بندی و راهنماهای بالینی، طرح ژنتیک و نظام دارویی ملی کشور و سیاست‌گذاری و نظارت کارآمد بر تولید، مصرف و واردات دارو، واکسن، محصولات زیستی و تجهیزات پزشکی با هدف حمایت از تولید داخلی و توسعه صادرات.

۸. بند «۳» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - گسترش اقتصاد دانش‌بنیان با تأکید بر توسعه مؤلفه‌های اصلی آن، از جمله: زیرساخت‌های ارتباطی، زمینه‌های تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهش به فناوری و گسترش کاربرد آن، حمایت قانونی از حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی و مرتبط کردن بخش‌های علمی و پژوهشی با بخش‌های تولیدی کشور.

۵ سیاست‌های مدیریت تولید و منابع انسانی

در حقیقت، زمانی که نیروی کار توانمند شود و دارای قدرت خلق ثروت، فعالیت و کارآفرینی باشد، طبیعتاً عوامل تولید تقویت خواهند شد. موضوع توانمندسازی نیروی کار در جزء «۲» بند «الف» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین^۱ با راهبردارتقای سطح آموزش، پژوهش و بهره‌وری نیروی کار مطالبه شده است. همچنین در بند «۵» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۲ مواردی نظیر مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه به موارد فوق افزوده شده است.

از سوی دیگر موضوع توانمندسازی نخبگان جهت توسعه فناوری در بند «۷» «سیاست‌های کلی در موضوع خودکفایی دفاعی و امنیتی»^۳ موضوع جذب و به کارگیری و توانمندسازی نیروهای مستعد و نخبه در همه زمینه‌ها، به خصوص در زمینه فناوری‌های دفاعی و امنیتی مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از موارد دیگری که در حوزه مدیریت کلان تولید می‌تواند مورد توجه واقع شود، تعیین صلاحیت‌های تکلیفی هریک از نهادهای اداری و متولیان امر در حوزه حمایت از تولید است و اینکه سهم هر استان و منطقه‌ای در حمایت از تولید به چه میزان است باید مشخص شود و در این حوزه تقسیم کار صورت گیرد؛ به این معنا که هر استان با توجه به مزیت‌های بومی خود، در حوزه تولید چه محصولاتی، سرمایه‌گذاری می‌کند.

طبق بند «۱۰» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۴ ضرورت دارد نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید تنظیم شود. بر این اساس باید، وظایف، تکالیف، جایگاه‌هایی نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره) و بنیاد مستضعفان در نقشه عملیاتی تولید ملی مشخص شود و یا اهدافی در چارچوب برنامه‌های توسعه برای آنها ترسیم شود. همچنین مبتنی بر بند «۹» همین سیاست‌ها^۵ تعیین سهم و جایگاه برای بخش‌های خصوصی و تعاونی نیز در تولید ملی بایستی به لحاظ حقوقی مورد توجه واقع شود. حتی در این جزء، استفاده از نهاد وقف برای توسعه مشارکت بخش غیردولتی در تأمین نیازهای حوزه تولید دانش بنیان و فناوری، مورد اشاره قرار گرفته است. در خصوص تقسیم کار جغرافیایی، بند «۱۹» سیاست‌های کلی برنامه

از جمله عوامل موفقیت در حمایت از تولید، ترسیم سیاست‌ها و راهبردهایی است که به تغییر در فرایند و سازوکارهای تولید منجر شود. در بند «۳» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۱، تقویت عوامل تولید به عنوان یکی از طرق رشد بهره‌وری اقتصادی، شناسایی شده است. طبق بند «۷» سیاست‌های کلی اشتغال^۲ بایستی بهره‌وری عوامل تولید ارتقا یابد. علاوه بر این در بند «۱» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، راهبرد بهینه‌سازی تعامل عوامل تولید مورد تأکید قرار گرفته است. براساس این راهبرد علاوه بر اینکه باید هریک از عوامل تولید نظیر نیروی کار و سرمایه تقویت شود، ضروری است این عوامل با یکدیگر هم‌افزا و متعامل نیز باشند.

زنجیره بودن تولید و عوامل آن در طول فرایند تهیه مواد خام تا محصول نهایی نیز به مدیریت تولید مربوط می‌شود. در جزء «۲» بند «ج» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین^۳ بر اصلاح و تکمیل زنجیره‌های تولید صنعتی و در بند «۵» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۴، بر تکمیل زنجیره تولید از مواد خام تا محصولات نهایی تأکید شده است. براساس بندهای مذکور، بایستی زنجیره تولید تا مرحله محصول نهایی مورد حمایت قرار گیرند و نکته این حمایت، ارتباط و رسیدن زنجیره تولید به محصول نهایی است. این سیاست علاوه بر ایجاد بخش‌های تکمیلی و جدید در زنجیره تولید، به افزایش ارزش افزوده برای تولید داخلی منجر خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها در مدیریت تولید که از آن می‌توان به مدیریت عوامل تولید نیز تعبیر کرد، مدیریت منابع انسانی است. اینکه چه میزان نیروی کار در افزایش تولید و فرایند آن نقش آفرینی مثبت ایفا می‌کند به این موضوع برمی‌گردد. بند «۳» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر توانمندسازی نیروی کار و بند «۳» جزء «ج» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین ابلاغی ۱۳۹۰/۹/۲۱ مقام معظم رهبری^۵ بر افزایش سهم منابع انسانی در تولید ثروت ملی متناسب با استعداد مناطق کشور تأکید دارد.

۱. بند «۳» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
۲. بند «۷» سیاست‌های کلی اشتغال - هماهنگ‌سازی و پایداری سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تولید.
۳. جزء «۲» بند «ج» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین - هم‌افزایی مزیت‌های کشور، نوسازی بخش کشاورزی متناسب با منابع تولید و پهنه‌بندی اقلیمی، اصلاح و تکمیل زنجیره‌های تولید صنعتی، سازماندهی بخش خدمات نوین و تولید کالا و خدمات دانش‌پایه.
۴. بند «۵» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - تکمیل زنجیره تولید از مواد خام تا محصولات نهایی با رعایت اصل رقابت‌پذیری و فاصله گرفتن از خام‌فروشی در بازه زمانی معین.
۵. بند «۳» جزء «ج» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین - فراهم آوردن زمینه‌های مناسب مدیریتی و زیربنایی در مناطق مختلف و ارتقای مستمر سطح شاخص بهره‌وری ملی و افزایش سهم منابع انسانی در تولید ثروت ملی متناسب با استعداد مناطق کشور.
۶. جزء «۲» بند «الف» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین - ارتقای سطح آموزش، پژوهش و بهره‌وری نیروی کار در جهت افزایش سهم منابع انسانی در ترکیب عوامل مؤثر در تولید ثروت ملی.
۷. بند «۵» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.
۸. بند «۷» «سیاست‌های کلی در موضوع خودکفایی دفاعی و امنیتی» - جذب، توانمندسازی و به کارگیری نیروهای مستعد و نخبه با فراهم کردن زمینه‌های رشد و تقویت آنان برای ارتقای قابلیت‌های توسعه‌ی فناوری‌های دفاعی و امنیتی مورد نیاز کشور.
۹. بند «۱۰» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.
۱۰. بند «۹» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی افزایش سهم بخش‌های تعاونی و خصوصی در تولید ملی.



داده شوند. علاوه بر این، در بند «۳» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۶ تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهشی به فناوری و گسترش کاربرد آن و مرتبط کردن بخش‌های علمی و پژوهشی با بخش‌های تولیدی به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است. یکی از مواردی که می‌تواند به تسهیل این امر کمک کند نیازسنجی حوزه صنعت توسط دانشگاه و ارائه موضوع‌ها و نیازها به نخبگان دانشگاهی و حمایت مادی از این دستاوردهاست. در این خصوص، ارائه نیازهای فناوری و صنعت به صورت کاربردی و بومی به فناوران و محققان در تسهیل این موضوع نقش دارد؛ اما علاوه بر آن، توسعه مباحث کاربردی در فضای دانشگاهی، در اختیار قرار دادن فرصت‌های مطالعاتی جهت ایده و فناوری و اعطای کمک‌های مالی برای پروژه‌های پژوهشی که در این راستا قرار دارند، می‌تواند به تسهیل موضوع این بند کمک کند. در بند «۲۰» سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، روزآمدسازی و ارتقای نظام آموزشی و پژوهشی کشور بیان شده است که یکی از موارد روزآمدسازی آن می‌تواند مواردی باشد که بیان شد. همچنین بایستی بسترهای مناسب برای تقویت انگیزه بخش آموزش و پژوهش در خصوص حوزه صنعت ایجاد شود. در این زمینه فرهنگ‌سازی نیز لازم خواهد بود و بایستی فرهنگ کسب و کار دانش بنیان مورد توجه قرار گیرد. در جزء «۳» بند «۴» سیاست‌های کلی علم و فناوری^۷، تقویت فرهنگ کسب و کار دانش بنیان به خصوص مورد تأکید قرار گرفته است و نتیجه آن بایستی به عنوان مثال این باشد که دانشجویان نسبت به حضور در مؤسسه‌های دانش بنیان و واحدهای خلاق و نوآور، علاقه بیشتری داشته باشند و بیکاری و فعالیت‌های سوداگرایانه و غیرمولد در میان آنها کم‌رونق باشد.

۱-۲ ارتقای حوزه دانش و فناوری

یکی از موضوع‌هایی که می‌تواند به صورت غیرمستقیم به افزایش تولید دانش بنیان منجر شود، تقویت دانش و فناوری کاربردی در کشور است. طبیعتاً بخشی از دانش و فناوری موجود در کشور، نیازمند ارتقا و پشتیبانی بوده و بخشی دیگر که خارج از مرزهای کشور وجود دارد، نیازمند انتقال آن به داخل کشور است. هر چند مرتبط‌سازی صنعت، پژوهش و آموزش می‌تواند به ارتقای فناوری منجر شود، اما بایستی توجه داشت که ارتقای فناوری، لزوماً از طریق نظام آموزشی و پژوهشی کشور رقم نمی‌خورد؛ بلکه باید از ابزارهای مختلفی نظیر انتقال فناوری

ششم توسعه^۱ به تقسیم کار و تعیین نقش ملی در مناطق مختلف کشور با رعایت الزامات آن به منظور افزایش تولید ثروت ملی، تأکید کرده است. طبق جزء «۱» بند «ج» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین^۲ تقسیم کار ملی در حوزه تولید، یکی از شاخص‌های ارتقای کارایی و بازدهی اقتصادی و تسهیل روابط درونی و بیرونی اقتصاد است که این موضوع در افزایش تولید دانش بنیان اشتغال آفرین مؤثر خواهد بود. از سوی دیگر، این موضوع می‌تواند به بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها منجر شود که می‌تواند زمینه تحقق بند «۳» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۳ را فراهم کند.

راهبردهای خاص

همان‌طور که بیان شد راهبردهای عام مطرح شده صرفاً برای تولید دانش بنیان کاربرد ندارد و می‌توان آن را به حوزه تولید به صورت کلی نیز تسری داد. با این وجود، برخی راهبردهای خاص نیز وجود دارند که صرفاً در حوزه دانش بنیان مطرح هستند و شامل مواردی نظیر «مرتبط‌سازی آموزش، پژوهش و صنعت»، «انتقال و توسعه فناوری» و «ارتقاء جایگاه شرکت‌های دانش بنیان»، به شرح ذیل است.

۱-۱ مرتبط‌سازی آموزش و پژوهش با صنعت

در صورتی می‌توان از این ظرفیت‌های علم و فناوری کشور به خوبی استفاده کرد که پل ارتباطی مناسبی میان آموزش و پژوهش با صنعت ایجاد شود. در سیاست‌های کلی علم و فناوری به طور مشخص به این موضوع پرداخته شده است و در جزء «۴» بند «۵» این سیاست‌ها^۴ تنظیم رابطه متقابل میان تحصیل و اشتغال ضروری دانسته شده و بر استفاده از ظرفیت علمی تحصیلی فرد در شغل وی تأکید شده است. در بسط این موضوع در همین جزء، متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نیازهای تولید و اشتغال قابل طرح است که طبق آن بایستی سرفصل دروس تحصیلی متناسب با نیازهای تولیدی کشور بازطراحی شود.

علاوه بر بعد آموزش دانشگاهی، در خصوص بعد پژوهشی نیز بایستی پل ارتباطی بخش صنعت با دانشگاه ایجاد شود. در بند «۸۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۵، حمایت از پژوهش‌های مسئله‌محور دارای اولویت شناخته شده است و ضروری است دانشگاه و مراکز علمی به سمت کاربردی کردن پژوهش‌های خود و ارتباط‌گیری با بخش صنعت سوق

۱. بند «۱۹» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه - تقسیم کار و تعیین نقش ملی در مناطق، استان‌ها، نواحی و سواحل و جزایر کشور با رعایت الزامات آن در چارچوب سیاست‌های کلی مربوط، به منظور افزایش تولید ثروت ملی و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی.
 ۲. جزء «۱» بند «ج» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین - ارتقای کارایی و بازدهی اقتصادی و تسهیل روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور با:
 ۱. تقسیم کار ملی با توجه به استعدادهای طبیعی و خلق مزیت‌های جدید در مناطق مختلف کشور.
 ۳. بند «۳» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
 ۴. بند ۴-۵ - سیاست‌های کلی علم و فناوری - تنظیم رابطه متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نقشه جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال.
 ۵. بند «۸۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه - توسعه و ساماندهی نظام ملی نوآوری و حمایت از پژوهش‌های مسئله‌محور و تجاری‌سازی پژوهش و نوآوری، و توسعه نظام جامع تأمین مالی در جهت پاسخ به نیاز اقتصاد دانش بنیان.
 ۶. بند «۳» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - گسترش اقتصاد دانش بنیان با تأکید بر توسعه مؤلفه‌های اصلی آن، از جمله: زیر ساخت‌های ارتباطی، زمینه‌های تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهش به فناوری و گسترش کاربرد آن، حمایت قانونی از حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی و مرتبط کردن بخش‌های علمی و پژوهشی با بخش‌های تولیدی کشور.
 ۷. ۳-۴ سیاست‌های کلی علم و فناوری - تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی و تقویت فرهنگ کسب و کار دانش بنیان و تبادل آراء و تضارب افکار، آزاداندیشی علمی.

با توجه به سرعت تحولات در عرصه فناوری، موضوع آینده‌نگری در این حوزه به منظور عقب‌نماندن از سایر کشورها، اهمیت فراوانی پیدا می‌کند.

علاوه بر ایجاد سامانه و رویکرد آینده‌پژوهانه که در بعد نرم‌افزاری ارتقای فناوری قرار می‌گیرند، بایستی به بعد سخت‌افزاری آن نیز اهمیت داد. در این راستا جزء «۵» بند «۲» سیاست‌های کلی علم و فناوری^۷ به حمایت از توسعه پارک‌های علم و فناوری اختصاص دارد که تعلق فضای مناسب برای پژوهشگران، یک نقطه کلیدی برای ارتقای فناوری خواهد بود. همچنین در بند «۲۰» سیاست‌های کلی برنامه هفتم، افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری مورد تأکید قرار گرفته است که نشان می‌دهد توسعه مواردی که به آن اشاره شد همچنان بایستی ادامه داشته باشد و شتاب به خود گیرد.

۳ ارتقای جایگاه شرکت‌های دانش بنیان

در سال‌های اخیر موضوع شرکت‌های دانش بنیان و اهمیت آنها در میان سایر شرکت‌های متکفل امر تولید تا حدودی به دلیل سیاست‌های کلی و تأکیدات رهبری مورد توجه واقع شده است. در این میان، کمک به تقویت جایگاه این شرکت‌ها سبب خواهد شد تا فعالان اقتصادی به سرعت به سمت تأسیس این شرکت‌ها حرکت کنند. در بند «۲» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نگاه کلان به کسب جایگاه ویژه برای اقتصاد دانش بنیان در دستور کار قرار داشته است و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان، دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان و پیشتازی این اقتصاد به طور جد هدف گذاری شده است. توسعه صنایع مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدیدی مصرح در جزء «۱» بند «۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری^۸ نیز نشان می‌دهد که بایستی جایگاه دانش بنیان‌ها در عرصه صنعت، ارتقای قابل ملاحظه‌ای پیدا کند. در بند «۱» سیاست‌های کلی بخش صنعت^۹ نیز تأکید شده است که از فرایندهای صنعتی دانش محور استفاده شود و مبنای انتخاب‌ها قرار گیرد که نشان‌دهنده اهمیت یافتن و جایگاه پیدا کردن صنایع دانش بنیان است. در این زمینه، هم‌اکنون یکی از اولویت‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت توجه به صناعی است که ارتقای آنها موجب ارتقای سطح فناوری و اشتغال نیروهای متخصص و تحقیقاتی می‌شود؛ برای مثال، به جای سرمایه‌گذاری برای توسعه صناعی

برای تحقق آن بهره برد. در جزء «۶» بند «۲» سیاست‌های کلی علم و فناوری،^{۱۰} اهتمام بر انتقال فناوری تأکید شده و در همین جزء، کسب دانش طراحی و ساخت به منظور تولید محصول تجویز شده است. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که انتقال فناوری، چگونه قابل تحقق است.

یکی از ظرفیت‌هایی که در این زمینه طبق بند «۱۱» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^{۱۱} قابل طرح است، توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری پیشرفته است. ضروری است در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، ظرفیت‌های جذابی برای شرکت‌های خارجی به منظور انتقال فناوری به وجود آید. در بند «۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری،^{۱۲} راهبرد دیگری برای انتقال فناوری می‌توان یافت و آن گسترش تعاملات و همکاری فعال، سازنده و الهام‌بخش با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای است؛ در این میان ارتباط با کشورهای جهان اسلام در اولویت قرار گرفته است. همچنین بند «۶» سیاست‌های کلی اشتغال، بر جذب فناوری از طریق تعامل مؤثر و سازنده با کشورهای، سازمان‌ها و تریبات منطقه‌ای و جهانی اشاره دارد. در این خصوص، نکته مهم روزآمد بودن فناوری‌های انتقال یافته است که بند «۲» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^{۱۳} بدان اشاره دارد.

ارتقای فناوری لزوماً مساوی با انتقال فناوری نیست، بلکه ارتقای فناوری مستلزم اصلاح فناوری‌های موجود داخلی و ایجاد فناوری جدید مبتنی بر خلاقیت و ظرفیت بومی است. در بند «۴» «سیاست‌های کلی در بخش کشاورزی»^{۱۴}، بومی‌سازی فناوری‌های روز به عنوان یک هدف راهبردی مطرح شده است. به این منظور، هدایت و تقویت نوآوری در بند «۲» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و سامان‌دهی نظام ملی نوآوری در بند «۲» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^{۱۵} مورد تأکید است. از این رو صرف ایجاد سامانه‌ای که در آن نوآوری‌ها ثبت، ضبط و پیشنهاد شود، کارآمد نیست؛ بلکه بایستی به صورت مداوم و پس از ایجاد آن نیز، این نظام روزآمد و سامان‌دهی شود؛ بنابراین تکلیف نهادهای مسئول صرفاً با ایجاد چنین بستری رفع نمی‌شود.

یکی دیگر از ابزارهایی که می‌تواند به توسعه فناوری منجر شود، طبق بند «۳» سیاست‌های کلی اشتغال، نگاه آینده‌پژوهانه به این فناوری‌هاست.

۱. بند ۲-۶ سیاست‌های کلی علم و فناوری - اهتمام بر انتقال فناوری و کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات در داخل کشور با استفاده از ظرفیت بازار ملی در مصرف کالاهای وارداتی.
۲. بند «۱۱» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
۳. بند «۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری - گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به ویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال کشور.
۴. بند «۲» سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - حمایت از تجاری‌سازی فناوری محصول و بهره‌گیری از جذب و انتقال دانش فنی و فناوری‌های روز و ایجاد نظام ملی نوآوری.
۵. بند «۴» «سیاست‌های کلی در بخش کشاورزی» - نوسازی نظام تولید کشاورزی بر مبنای دانش نوین و بومی‌سازی فناوری‌های روز.
۶. بند «۲» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و سامان‌دهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.
۷. بند ۲-۵ سیاست‌های کلی علم و فناوری - حمایت از تأسیس و توسعه شهرک‌ها و پارک‌های علم و فناوری.
۸. بند ۶-۱ سیاست‌های کلی علم و فناوری - توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید ...
۹. بند ۱ سیاست‌های کلی بخش صنعت - افزایش سهم بخش صنعت در تولید داخلی و افزایش ارزش افزوده‌ی بخش صنعت، با ... انتخاب فرایندهای صنعتی دانش محور.



ارتقای شرکت‌های دانش‌بنیان، نیازمند نظارت، رصد و پایش است. رصد کمی این شرکت‌ها حائز توجه است. یکی از مواردی که رهبری به‌عنوان شاخص ارتقای دانش‌بنیان‌ها مطرح کرده‌اند، رشد کمی آنها و رصد و پایش تعداد شرکت‌های واقعی دانش‌بنیان است. ایشان بیان می‌دارند: «به‌هر حال می‌توان تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان هر بخشی را یک شاخصی برای پیشرفت آن بخش در دولت دانست. مثلاً اگر چنانچه ما دیدیم شرکت‌های دانش‌بنیان در مثلاً زمینه‌ی نفت و گاز و این صنایع پایین دستی اینها افزایش پیدا کرده، من باب مثال نمره‌ی بالایی به وزیر نفت بدهیم؛ یا اگر عکسش بود، بعکس. این به نظر یکی از شاخص‌ها است».^۴

به‌علاوه، جزء «۷» بند «۵» سیاست‌های کلی علم و فناوری^۵ نیز بر افزایش نقش بخش غیردولتی در حوزه علم و فناوری تأکید کرده است. همین امر نشان می‌دهد بایستی در ارتقای فناوری به تقویت بخش خصوصی توجه کرد.

نظیر تولید رب گوجه‌فرنگی روی توجه به صنایع ماشین‌آلات تولید محصولات مختلف تکیه می‌شود که متضمن بهره‌گیری از شرکت‌های دانش‌بنیان و نیروهای متخصص در این زمینه خواهد بود.^۱ در فرایندهای اشتغال‌زایی نیز اولویت و جایگاه تولید دانش‌بنیان به موجب بند «۳» سیاست‌های کلی اشتغال^۲ باید مینا و مورد توجه باشد. در بند مزبور، جایگاه دانش‌بنیان‌ها در ایجاد اشتغال پایدار در سیاست‌های کلی نظام به‌طور خاص دیده شده است.

نکته مهمی که باید مورد توجه قرار داد این است که دانش‌بنیان کردن و تجاری‌سازی محصولات صرفاً محدود به حوزه صنایع نمی‌شود، بلکه شامل خدمات نیز می‌شود. بسیاری از شتاب‌دهنده‌های کسب‌وکار هم‌اکنون به‌عنوان شرکت دانش‌بنیان شناخته می‌شوند که از دانش و فناوری برای ارائه خدمات استفاده می‌کنند. در بند «۱۶» سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی ۱۳۸۶/۲/۱۵ مقام معظم رهبری^۳ بر دانش‌بنیان کردن نظام اداری تأکید شده است که خدمات حوزه دانش می‌تواند برای نیاز دستگاه‌های عمومی نیز راهگشا باشد.

[جمع‌بندی]

که در هریک از آنها نیز به‌طور جزئی‌تر موضوع گسترش تولید دانش‌بنیان تا حدی روشن شده است. به‌عنوان نمونه در بخش کشاورزی، بحث دانش‌بنیان شدن تأمین، نگهداری و مصرف آب و تأکید جدی بر ارتقای بهره‌وری عوامل تولید از فناوری در راستای تحقق خودکفایی پایدار و توسعه زنجیره ارزش پایدار و فراگیر و اصلاح نظام تأمین مالی در این حوزه را می‌توان مورد اشاره قرار داد. همچنین در صنایع نفت و گاز، توجه به گستره زنجیره ارزش در صنایع پایین‌دستی نفت و گاز و واگذاری طرح‌های دانش‌بنیانی در حوزه جمع‌آوری گازهای همراه تولید از جمله این زمینه‌های جزئی است.

در قسمت راهبردها نیز سعی شده است، راهبردها در دو دسته مجزا، راهبردهای عام و خاص تقسیم شوند که دسته نخست مربوط به راهبردهایی است که چه در تولید دانش‌بنیان و چه در سایر بخش‌های تولیدی کشور کاربرد دارد و عنوان آنها به‌صورت مستقیم به مقوله تولید دانش‌بنیان بازنمی‌گردد. راهبردهای خاص نیز به‌طور خاص مربوط به ارتقای وجوه دانش‌بنیانی تولید است و شامل راهکارهای خاصی است که

در این نوشتار سعی شد، تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین در سیاست‌های کلی نظام مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. بدین‌منظور، در چهار بخش: ۱. مفهوم، ۲. اهمیت و جایگاه، ۳. زمینه‌ها و ظرفیت‌ها و ۴. راهبردها به این موضوع پرداخته شد. تولید دانش‌بنیان به‌معنای آن بخش از اقتصاد دانش‌بنیان است که محرک تولید و ارائه خدمات در آن، دانش و فناوری محسوب می‌شود. تولید دانش‌بنیان را می‌توان مبتنی بر فناوری دارای مزیت و ظرفیت و متکی به توان داخلی ارزیابی کرد. در سیاست‌های کلی نظام زمینه‌ها و ظرفیت‌های گوناگونی برای اجرای تولید دانش‌بنیان دیده شده است که این مطلب نشان می‌دهد که در پرداختن و حمایت از صنایع نیز می‌توان اولویت‌هایی را در نظر گرفت که برخی به‌دلیل اهمیت راهبردی آن برای کشور در سیاست‌ها به‌عنوان اولویت‌شناسایی شده و ضرورت دارد، نهادهای نظارتی این اولویت‌ها را بیش از دیگر موارد در اجرا، مورد رصد و پایش قرار دهند. بخش کشاورزی و صنایع غذایی، صنایع نفت و گاز، صنایع پزشکی و صنایع دفاعی - امنیتی شامل این موارد هستند

۱. ایجاد ۶ مرکز تجاری در کشورهای مختلف و فعال شدن دو پایانه صادراتی، گفتگوی ویژه خبری با وزیر صمت، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، کد خبر: ۳۷۹۲۶۵، مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲، لینک خبر: <https://dolat.ir/detail/379265>

۲. بند «۳» سیاست‌های کلی اشتغال - ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان و آینده‌نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی.

۳. بند «۱۶» سیاست‌های کلی نظام اداری - دانش‌بنیان کردن نظام اداری از طریق به‌کارگیری اصول مدیریت دانش و یکپارچه‌سازی اطلاعات، با ابتناء بر ارزش‌های اسلامی.

۴. سخنرانی نوزدهم خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۱/۱/۱.

۵. بند ۷-۵ سیاست‌های کلی علم و فناوری - افزایش نقش و مشارکت بخش‌های غیردولتی در حوزه علم و فناوری و ارتقاء سهم وقف و امور خیریه در این حوزه.

صنعت، آموزش و پژوهش از طریق ایجاد تغییرات جدی در سرفصل‌های آموزشی و مبتنی بر نیاز شدن آموزش و نزدیکی پژوهش‌ها به صنعت برای برطرف کردن نیازهای آن مورد تأکید قرار دارد و همچنین ارتقای فناوری از طریق انتقال آن از کشورهای دیگر و ایجاد ظرفیت‌های انتقال فناوری در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از جمله مباحثی است که در این بخش مطرح شد. موضوع هدف‌گذاری برای اشتغال پایدار از طریق شرکت‌های دانش بنیان و افزایش جایگاه اشتغال دانش بنیان در هرم اشتغال کشور نیز سبب خواهد شد، به صورت خاص شرکت‌های دانش بنیان توسعه یابد.

در جدول ذیل به طور خلاصه به راهبردهای مطرح شده در این گزارش اشاره شده است:

می‌تواند این حوزه را جهش دهد. راهبردهای عام در پنج دسته سیاستی تقسیم شده‌اند که شامل سیاست‌های پولی و مالی، قانونگذاری و مقررات‌گذاری، مدیریت تولید و منابع انسانی، فرهنگی و حمایت غیرمالی هستند. راهبردهای مهمی که در این بخش بیان می‌شوند شامل مواردی نظیر مدیریت کارآمد صندوق توسعه ملی در جهت تقویت تولید دانش بنیان، اصلاح برخی از قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های دانش بنیان، تقویت نیروی انسانی توانمند و ماهر در بخش تولیدی، ترویج فرهنگ کسب‌وکار دانش بنیان و بهبود فضای کسب‌وکار و مالکیت فکری برای تولیدکنندگان دانش بنیان است.

در بخش راهبردهای خاص نیز در سه حوزه مرتبطسازی صنعت، آموزش و پژوهش، ارتقای فناوری و ارتقای جایگاه شرکت‌های دانش بنیان مطالبی بیان شد. مرتبطسازی

استناد	راهبرد	قلمرو	
بند «۱۹» سیاست‌های کلی تولید ملی	کارآمدسازی مدیریت منابع صندوق توسعه ملی برای حمایت از تولید	سیاست‌های پولی و مالی	راهبرد عام
بند «۷» سیاست‌های کلی تولید ملی	مدیریت منابع ارزی در جهت حمایت از تولید		
بند «۸» سیاست‌های کلی اشتغال	اعطای یارانه به صورت دقیق به بخش واقعی تولید کشور		
بند «۲۲» سیاست‌های کلی تولید ملی	گسترش منابع مالی در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی		
بند «۴» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	استفاده از ظرفیت هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت حمایت از تولید		
بند «۱۸ و ۲۲» سیاست‌های کلی تولید ملی	گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه‌ای و بیمه‌ای		
بند «۱۰» سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری	سامان‌دهی رفتار تقنینی و ارائه ضوابط کیفی برای شناسایی شرکت دانش بنیان	سیاست‌های تقنینی	
بند «۱۰» سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری	سامان‌دهی رفتار تقنینی و حذف قوانین و مقررات زاید برای تولید دانش بنیان		
بند «۲۳» سیاست‌های کلی تولید ملی	سامان‌دهی رفتار تقنینی و قانونگذاری و مقررات‌گذاری ضد انحصاری		
بند «۱۰» سیاست‌های کلی بخش صنعت	تقویت فرهنگ اهمیت دادن به کار و اشتغال	سیاست‌های فرهنگی	
بند «۲۰» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	تقویت فرهنگ پرداختن به فعالیت تولیدی و کارآفرینی		
بند «۱۵» سیاست‌های کلی تولید ملی	تقویت فرهنگ مصرف و استفاده از تولیدات داخلی		
بند «۲» سیاست‌های کلی تولید ملی	ایجاد ظرفیت‌های تجاری برای تولیدکننده دانش بنیان	سیاست‌های حمایت غیرمالی	
بند «۷» سیاست‌های کلی اشتغال	بازارسازی داخلی برای تولیدکننده دانش بنیان		
بند «۵» سیاست‌های کلی سلامت	نظارت بر واردات تولیدات دارای مشابه		
بند «۳» سیاست‌های کلی تولید ملی	حمایت قضایی از حقوق تولیدکنندگان دانش بنیان		
بند «۱» سیاست‌های کلی تولید ملی	بهبودسازی تعامل عوامل تولید	سیاست‌های مدیریت تولید و منابع انسانی	
بند «۵» سیاست‌های کلی تولید ملی	اصلاح و تکمیل زنجیره‌های تولید		
بند «الف» سیاست‌های آمایش سرزمین	توانمندسازی نیروی متخصص تولید دانش بنیان		
بند «ج» سیاست‌های آمایش سرزمین	تعیین نقش ملی در تولید برای مناطق و بخش‌های مختلف کشور		



بند ۴-۵ سیاست‌های کلی علم و فناوری	متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نیازهای تولید	مرتبط‌سازی آموزش و پژوهش با صنعت	راهبرد خاص
بند «۸۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم	حمایت از پژوهش‌های مسئله‌محور دانش‌بنیان		
بند «۳» سیاست‌های کلی تولید ملی	تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهشی به فناوری و گسترش کاربرد آن		
بند «۳» سیاست‌های کلی تولید ملی	مرتبط‌کردن بخش‌های علمی و پژوهشی با بخش‌های تولیدی	ارتقای حوزه دانش و فناوری	
بند «۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری	اهتمام بر انتقال فناوری با بهره‌گیری از ظرفیت مناطق آزاد و بخش بین‌الملل		
ایجاد و سامان‌دهی نظام ملی نوآوری	ایجاد و سامان‌دهی نظام ملی نوآوری		
بند «۳» سیاست‌های کلی اشتغال	توسعه مطالعات فنی آینده‌پژوهانه به فناوری‌های روز	ارتقای جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان	
بند ۲-۵ سیاست‌های کلی علم و فناوری	توسعه پارک‌های علم و فناوری		
بند «۱» سیاست‌های کلی بخش صنعت	اولویت شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه صنایع		
بند «۴» سیاست‌های کلی اشتغال	اولویت شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه اشتغال	ارتقای جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان	
بند «۲» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	کسب جایگاه اول منطقه در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان		
بند «۲» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	افزایش سهم محصولات تولیدی متکی به تولید دانش‌بنیان		

[منابع و مآخذ]

الف) کتب و مقالات

۱. ابراهیمی، محمد؛ نجومی، سید علی (۱۳۹۳)، قوانین و مفاهیم دانش‌بنیان، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، چاپ اول.
 ۲. حمیدی کیا، رضا، عباسیان، عزت‌الله (۱۳۹۷)، «عوامل موثر بر بیکاری تکنولوژیکی و دلالت‌های آن برای چشم‌انداز اقتصاد کلان ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ش ۲۸.
 ۳. دهانی، ناصر و کرد، حامد (۱۳۹۳)، «بررسی نقش ترویج فرهنگ کارآفرینی در بهبود شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی»، همایش بین‌المللی مدیریت.
 ۴. ستاد توسعه فرهنگ، علم، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان (۱۳۹۶)، در تکاپوی توسعه زیست‌بوم اقتصاد دانش‌بنیان: مروری بر رویکردها و اقدامات معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور، تهران، ریاست جمهوری؛ معاونت علمی و فناوری؛ مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی؛ دانش‌بنیان و فناوری، چاپ اول.
 ۵. صالح‌نیا، نرگس؛ دهنوی، جلال؛ حق‌نژاد، امین (۱۳۸۹)، «نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴۳ و ۴۴.
 ۶. عظیمی، ناصر علی؛ برخوردار، سجاد (۱۳۸۹)، شناسایی بنیان‌های اقتصاد دانش‌بنیان، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، چاپ اول.
 ۷. فر توک‌زاده، حمیدرضا، دره شیری، محمدرضا، وزیری، جواد (۱۳۹۳)، نقش صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۲۵.
 ۸. کاظمی نجف‌آبادی، عباس و غفاری، علیرضا (۱۳۹۷)، «توسعه صنعت ساخت داخل تجهیزات بخش بالادستی نفت کشور؛ ارزیابی نظام حقوقی در چارچوب سیاست‌های کلی علم و فناوری»، فصلنامه مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، ش ۱.
 ۹. محمدی خیاره، محسن (۱۳۹۵)، «توسعه کشاورزی دانش‌بنیان در راستای اقتصاد مقاومتی»، دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران.
 ۱۰. وحیدی، پریدخت (۱۳۸۰)، اقتصاد دانش‌محور و نقش تحقیق و توسعه در
- آن، همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران.
۱۱. عمادزاده، مصطفی؛ شهنازی، روح‌اله؛ دهقان شبانی، زهرا (۱۳۸۵)، «بررسی میزان تحقق اقتصاد دانش‌محور در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی.
 ۱۲. عربشاهی کریمی، احمد؛ کامسی، شهرام، صرامی‌گرو، امیر (۱۳۹۲)، «اقتصاد دانش‌محور، از ایده تا عمل»، اولین همایش ملی مدیریت کسب و کار.
13. Rooney, David, Greg Hearn, Abraham Ninan (2005), Handbook on the Knowledge Economy, Edward Elgar Pub, Cheltenham, Vol. 1.
- ### ب) سیاست‌ها
۱. سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری ابلاغی ۱۳۹۸/۷/۶.
 ۲. سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی ۱۳۹۳/۱/۱۸.
 ۳. سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی ۱۳۸۹/۱/۱۴.
 ۴. سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی ۱۳۹۳/۶/۲۹.
 ۵. سیاست‌های کلی نظام در موضوع خودکفایی دفاعی و امنیتی ابلاغی ۱۳۹۷/۹/۲۹.
 ۶. سیاست‌های کلی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی ابلاغی ۱۳۹۱/۱۱/۲۴.
 ۷. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی ۱۳۹۲/۱۱/۲۹.
 ۸. سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغی ۱۳۹۰/۴/۲۸.
 ۹. سیاست‌های کلی نظام در امور تشویق سرمایه‌گذاری ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹.
 ۱۰. سیاست‌های کلی آمایش سرزمین ابلاغی ۱۳۹۱/۹/۲۱.
 ۱۱. سیاست‌های نظام در بخش شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای ابلاغی ۱۳۷۷/۷/۱۱.
 ۱۲. سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغی ۱۳۹۴/۴/۹.
 ۱۳. سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغی ۱۳۹۴/۸/۲۶.
 ۱۴. سیاست‌های کلی نظام در امور «امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا) ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir